

همه با هم



عليه فساد

سال دوم، شماره ۵، پاییز ۱۳۹۵

مرکز مطالعات و پژوهش های سلامت اداری و مبارزه با فساد



نشانی: تهران، خیابان طالقانی، تقاطع سپهبد قرنی

سازمان بازرسی کل کشور، طبقه ششم

شماره تماس: ۰۷۶۳۶۲۳۶۱۳

نشانی الکترونیک: bazrasi.research@136.ir

www.bazrasi.ir



همه با هم علیه فساد

گردآوری و ترجمه:

محمود مهدوی‌فر

سال دوم، شماره ۵، پاییز ۱۳۹۱

**مرکز مطالعات و پژوهش‌های
سلامت اداری و مبارزه با فساد**



فهرست مطالب

مقدمه	۵
گزیده اخبار و رویدادهای بین‌المللی در مبارزه با فساد	۷
نهادهای مبارزه با فساد، گروه ویژه اقدام مالی (FATF)	۱۹
مدیریت خطر فساد در گمرک از طریق سیستم‌های پنجره واحد	۳۷
مفاهیم فساد سیاسی در آتن و روم باستان	۵۳
آیا مبارزه با فساد را می‌توان آموزش داد؟	۶۷
پرونده ویژه: عملیات شکار روباه، نگاهی به گسترده‌ترین مبارزه با فساد در چین	۷۱
معرفی کتاب: سلامت زنجیره غذایی، یک رهیافت جامع برای قابلیت ردیابی، امنیت، کیفیت و اصالت مواد غذایی	۸۳



مطالب مندرج در این گزارش نشانگر دیدگاه نویسنده آن بوده و لزوماً نمایانگر دیدگاه سازمان بازرسی کل کشور نمی‌باشد.

مقدمه

در عرصه‌ی مبارزه با فساد، ارائه پژوهش‌های علمی و کاربردی باعث ارتقای آگاهی‌ها در این زمینه و بالطبع کنترل مؤثرتر فساد در ابعاد مختلف می‌گردد. بدیهی است که ارائه راهکارهای عملی برای مبارزه با فساد مستلزم شناخت جدیدترین اطلاعات و دستاوردهای پژوهشی در سایر کشورها و استفاده از تجارب موفق در این زمینه است.

همچون شماره‌های پیشین، در این شماره نیز تلاش شده تا مبارزه با فساد با تمرکز بر یک موضوع خاص نیز لحاظ گردد و زمینه بهره‌برداری علمی از آن توسط بخش‌های نظارت و بازرسی داخلی مرتبط با آن موضوع نیز فراهم شود. به همین منظور در این شماره موضوع مبارزه با فساد در گمرک در معرض دید مخاطبان علاقمند به آن قرار گرفته است.

همچنین به یکی از گسترده‌ترین اقدامات مبارزه با فساد در چین طی سال‌های اخیر نگاهی داشته‌ایم. از سوی دیگر، برای آن که تأکید مطالب ویژه‌نامه تنها بر تجارب عملی و اجرایی نباشد، بحثی نظری نیز در ارتباط با مفهوم فساد سیاسی در روم و یونان باستان ارائه گردیده است. علاوه بر این به معرفی یکی دیگر از نهادهای رسمی مبارزه با فساد با عنوان «گروه ویژه اقدام مالی (FATF)» پرداخته‌ایم که به‌تازگی در ایران نیز مباحثی در موافقت و یا مخالفت با آن در جریان بود. آخرین اخبار و تحولات بین‌المللی، مصاحبه با یکی از فعالان عرصه مبارزه با فساد و همچنین معرفی یکی از کتاب‌های منتشرشده، بخش‌های دیگر این شماره را تشکیل می‌دهند.

مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد

گزیده‌ی اخبار و رویدادهای بین‌المللی

در مبارزه با فساد



زیمبابوه سالانه یک میلیارد دلار به دلیل فساد مالی گسترده در این کشور، زیان می بیند.



سازمان شفافیت بین المللی اعلام کرد: زیمبابوه سالانه حدود یک میلیارد دلار به دلیل فساد مالی ضرر می دهد و پلیس و مقامات دولتی این کشور، از بزرگ ترین فاسدان مالی در زیمبابوه به شمار می آیند.

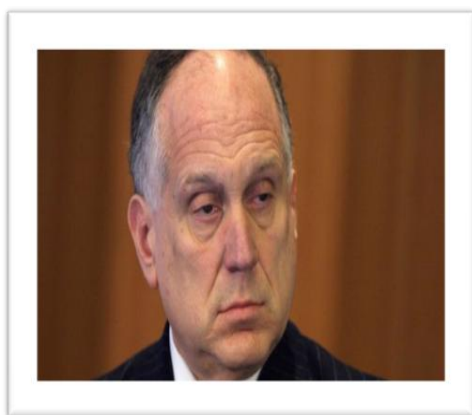
رسانه های اجتماعی نیز به فساد مالی در میان دولت «رابرت موگابه» رئیس جمهوری زیمبابوه اشاره کرده و ایست های پلیس در این کشور را، راهی برای اخذ وجوهات از خودروها برشمرده اند؛ مسأله ای که زمینه اصلی اعتراض های مردمی در طول چند ماه گذشته در زیمبابوه را فراهم کرده است.

براساس اعلام بخش زیمبابوه سازمان شفافیت بین المللی، پلیس، شوراهای محلی و اداره بازرسی خودروهای این کشور که گواهی نامه صادر می کند و همچنین وزارت آموزش و پرورش زیمبابوه در میان خاطی ترین نهادها در این کشور آفریقایی به لحاظ مالی به شمار می روند.

منتقدان و مخالفان دولتی در زیمبابوه، موگابه را به ناتوانی در مقابله با سطوح بالای اختلاس در این کشور متهم می کنند و فساد مالی را یکی از دلایل تردید شرکت های خارجی برای سرمایه گذاری در زیمبابوه می دانند.

زیمبابوه سال گذشته میلادی (۲۰۱۵) در شاخص شفافیت بین‌المللی که براساس برداشت‌های عمومی از میزان فساد مالی در مؤسسات دولتی سنجیده می‌شود، جایگاه یک‌صد و پنجاهم را از بین ۱۶۸ کشور به خود اختصاص داد.

رونالد لادر، میلیاردر یهودی و از دوستان نزدیک بنیامین نتانیاهو، قول داده است که در بازجویی کارآگاهان پلیس تخلفات مالی نتانیاهو را با ذکر جزئیات افشا می‌کند.



رونالد لادر، میلیاردر یهودی که از زمان بسیار گذشته از دوستان نزدیک بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود، پس از حضور در مراسم دفن جنازه شیمون پرز، رئیس سابق این رژیم، برای انجام بازجویی به ایستگاه پلیس منتقل شد. پلیس رژیم صهیونیستی از لادر درخواست کرده که علیه خانواده نتانیاهو در زمینه‌ی جرم و فساد شهادت دهد. طبق این گزارش لادر که اکنون به‌عنوان رئیس کنگره جهانی یهود فعالیت می‌کند از سوی بخش ۴۳۳ پلیس بازداشت‌شده و از دادن اطلاعات به پلیس طفره می‌رود. با این‌وجود لادر قول داده است که طی دیدار با

کارآگاهان پلیس در نیویورک تخلفات مالی نتانیاهو را با ذکر جزئیات افشا می‌کند.

رسوایی خرید کرسی‌های کنگره در چین

رسوایی خرید رأی توسط برخی از نمایندگان کنگره ملی خلق مجلس چین به‌منظور راهیابی به کنگره به یک موضوع بسیار نگران‌کننده برای رهبران حزب حاکم این کشور تبدیل شده است.



گزارش‌ها حاکی است که شماری از نمایندگان از مجلس محلی در شمال شرق چین در همین رابطه از سال ۲۰۱۳ میلادی با دادن رشوه و فساد مالی توانسته‌اند به جمع اعضای کنگره ملی خلق راه یابند. کنگره ملی خلق چین بلندپایه‌ترین مرجع قانون‌گذاری در این کشور است و راهیابی فساد به آن یک خطر بزرگ برای کشور به‌حساب می‌آید.

یک ماه قبل جلسه‌ای را اعضای حزب حاکم و کنگره ملی خلق تشکیل دادند که مربوط به رسوایی‌ها در میان نمایندگان کنگره بود. حالا روزنامه «ساوت چاینا» از هنگ‌کنگ می‌نویسد که پس‌از آن نشست، دست کم ۴۵ نفر از نمایندگانی که از سال ۲۰۱۳ میلادی از استان «لیائونینگ» در شمال شرق چین به مجلس راه‌یافته بودند، اخراج شده‌اند. این گزارش به موضوع رشوه و خرید رأی به‌عنوان یک رسوایی بزرگ در مجلس چین

یادکرده و آورده است: مأمورانی از کمیته انضباطی حزب و کنگره راهی استان شده‌اند و درحال بررسی پرونده‌های بیشتری هستند. گزارش‌ها حاکی است که بیش از ۶۰۰ نفر در این استان در امور قانون‌گذاری و کنگره فعالیت می‌کنند که تاکنون ۴۵۴ نفر آن‌ها برکنار شده‌اند.

اخراج نماینده پارلمان اروپا از کانادا

«ژوزه بُوه» نماینده فرانسوی پارلمان اروپا که از اردوگاه طرفداران محیط زیست و مخالف سرسخت توافقنامه تجارت آزاد اروپا و کانادا است از طرف پلیس این کشور بازداشت و اخراج شد.

براساس این گزارش، ژوزه بُوه نماینده سبزها در پارلمان اروپا که قرار بود در کانادا در یک گردهمایی درباره مبادلات آزاد بازرگانی شرکت کند، به‌محض ورود به شهر مونترال برای ساعت‌ها از طرف پلیس مرزی کانادا بازداشت و سپس از این کشور اخراج شد. این نماینده پارلمان اروپا، در فهرست اسامی فرانسوی‌هایی قرار گرفته است که به گفته مقامات کانادایی از کانادا اخراج شده‌اند. مقامات پلیس، در فرودگاه مونترال این نماینده پارلمان اروپا را به دلیل مرتبط بودن وی با چند پرونده قضایی بازداشت و سپس اخراج کردند.

فیفا رییس فدراسیون فوتبال تایلند را ۵ سال محروم کرد

دادگاه ضدفساد مالی فیفا رییس فدراسیون فوتبال تایلند را محروم کرد. به گزارش خبرگزاری فرانسه از زوریخ، براساس رأی این دادگاه ماکودی نایب رییس سابق فیفا به دلیل همکاری نکردن با بازرسان فیفا و روند تحقیقات، ۵ سال از فعالیت در فوتبال محروم شد.

وی همچنین باید ۱۰ هزار دلار جریمه پرداخت کند. وی با اتهام‌های متعددی درمورد سمت‌های قبلی مواجه است. او ژوئیه ۲۰۱۵ در دادگاه تایلند به دلیل فساد مالی و رشوه‌دهی برای انتخاب دوباره در سمت ریاست فدراسیون فوتبال تایلند محکوم شده بود. این محرومیت بلافاصله اجرایی شد.

انتقاد رییس جمهوری کنیا از مانع تراشی در روند مبارزه با فساد مالی



اوهورو کنیاتا (رییس جمهوری کنیا) دستگاه قضایی و دیگر سازمان‌های این کشور را به تضعیف تمهیدات اتخاذ شده برای ریشه‌کنی فساد مالی متهم کرد. به گزارش خبرگزاری رویترز از نایروبی، کنیاتا درحالی که سعی می‌کرد از نقش خود در مقابله با فساد دفاع کند، گفت که بودجه لازم برای کمیسیون مبارزه با فساد را افزایش داده و وزرا و مقام‌های ارشد مرتبط با اختلاس را اخراج کرده است. وی یادآور شد که کندی روند رسیدگی به پرونده‌های قضایی در دستگاه قضایی این کشور و سازمان‌های تحقیقاتی، تلاش‌های وی برای مقابله با فساد مالی را تضعیف کرده است. او همچنین از مقام مسئول تهیه گزارش‌های مربوط به حیف و میل وجوہات دولتی بدون نام بردن از افراد مسئول، انتقاد و گروه مخالف دولت کنیا را به سیاسی کردن مسأله فساد مالی در این کشور متهم کرد.

رئیس سابق مجلس برزیل بازداشت شد

پلیس فدرال برزیل «ادواردو کانیا» رئیس سابق مجلس این کشور را به اتهام فساد مالی بازداشت کرد.



این فرد پیش‌تاز
حرکت منجر به
استیضاح «دیپلما
روســــــــــــف»
رئیس‌جمهور
سابق برزیل بود.
کانیا در برازیلیا

پایتخت برزیل و در ارتباط با تحقیق از شرکت نفت دولتی پتروبراس بازداشت شده است. وی به دریافت رشوه پنج میلیون دلاری در ارتباط با قراردادهای مربوط به خرید دو دستگاه حفاری برای این شرکت نفت، متهم است.

شناسایی یک میلیون مقام مفسد در چین



در شرایطی که تصور می‌شد شمار مقام‌های مفسد مالی در چین به ۲۰۰ هزار نفر می‌رسد، تازه‌ترین آمار رسمی حزب حاکم کمونیست شمار آن‌ها را بیش از یک میلیون نفر برآورد کرده است. این آمار جدیدی است که در

حاشیه اجلاس بزرگ و مهم حزب حاکم کمونیست چین در پکن ارائه شده است. در همین حال، گزارش‌های منتشره در نشست نشان می‌دهد که در جریان مبارزه با فساد در سه سال گذشته پس از روی کار آمدن نسل جدید رهبری در چین، بیش از یک میلیون مقام مفسد در این کشور شناسایی شده و تحت پیگیری و مجازات قرار گرفته‌اند. در جریان عملیات شکار روباه که از ماه می (اردیبهشت - خرداد) سال جاری میلادی آغاز شد تاکنون ۶۳۴ مقام مفسد فراری در ۶۷ کشور جهان دستگیر شده‌اند.

گزارش حاکی است که از میان این افراد، نزدیک به ۶۰ نفر در حدود ۱۰۰ میلیون یوان و بیش از ۲۰۰ نفر نیز بیش از ۱۰ میلیون یوان فساد مالی داشته‌اند. همچنین اعلام شده که برخی از این افراد بین ۵ تا ۱۰ سال موفق به فرار از چین شده بودند و نهایتاً در چارچوب عملیات اسکای نت (تور آسمانی) به دام افتاده‌اند. وزارت امنیت عمومی چین با ابراز خرسندی از دستگیری این افراد، اعلام کرده است مبارزه با فساد با قدرت هر چه تمام‌تر ادامه خواهد یافت.

«شی جین پینگ» رئیس‌جمهوری خلق چین که از سال ۲۰۱۳ میلادی «مبارزه با فساد» را سرلوحه کار حکومت خود قرار داده از این پدیده به عنوان مرگبارترین منبع آلودگی که نیازمند مبارزه جدی است، یاد کرده است.

بازداشت ده‌ها مفسد اقتصادی در ایتالیا



پلیس ایتالیا ده‌ها نفر را به اتهام اخاذی، دریافت رشوه و فساد مالی در طرح‌های مهم و کلان عمومی این کشور، بازداشت کرد. پلیس ایتالیا با همکاری دیگر

نیروهای امنیتی در این کشور، در دو عملیات جداگانه، سی‌وپنج نفر را به اتهام فساد در مناقصه‌ها، اخاذی و دست داشتن در طرح‌های کلان و مهم عمومی کشور، در مناطق مختلف ایتالیا از جمله استان‌های لاتزیو، لومباردیا، پیئمونته، لیگوریا، توسکان، آبروتسو، اومبریا و کالابریا بازداشت کرد.

از جمله اتهام این افراد، فساد مالی در طرح قطار سریع‌السیر میان شهرهای میلان و جنوب و پرداخت رشوه در ایتالیا است. طرح قطار سریع‌السیر میلان-جنوا از جمله طرح‌های راهبردی در این کشور است که باید تا سال ۲۰۲۱ به پایان برسد. از دیگر موارد اتهامی، فساد در طرح ریلی منطقه لیگوریا است که هزینه اجرای آن شش میلیارد و دویست میلیون یورو برآورد شده است. «جوزپه لوناردی» فرزند وزیر پیشین حمل‌ونقل و زیرساخت‌های ایتالیا در میان افرادی است که از آن‌ها بازجویی شده است.

رئیس‌جمهور کره جنوبی مشاورانش را مجبور به استعفا کرد

پارک گئون‌های، رئیس‌جمهور کره جنوبی به ۱۰ مشاور ارشد خود دستور داده تا از سمت خود کناره‌گیری کنند. درخواست برای استعفای این افراد



پس از آن صورت می‌گیرد که رئیس‌جمهوری کره جنوبی پذیرفت که به یکی از دوستان خود اجازه داده تا پیش‌نویس یکی از سخنرانی‌های سیاسی‌اش را ویرایش کند و چون فردی است که هیچ سمت دولتی ندارد،

در امر سیاست‌گذاری دخالت کرده و به واسطه ارتباطش با رییس‌جمهوری، نفع مالی هم برده است.

تحقیقات قضایی در این مورد گسترش یافته و پلیس دفاتر «چوی سون سیل» و چند نفر دیگر را بازرسی کرده است. رییس‌جمهوری کره جنوبی در نطق تلویزیونی خود از مردم کشورش به این خاطر عذر خواست، اما این عذرخواهی باعث نشد تا اتهام‌های سوء مدیریت متوجه او نشود.

بازداشت رییس‌جمهور پیشین السالوادور

دادستانی کل السالوادور اعلام کرد «آنتونیو ساکا» رییس‌جمهور پیشین این کشور به اتهام فساد مالی بازداشت شد. براساس اعلام دادستانی کل السالوادور، رییس‌جمهور پیشین این کشور از جمله افراد عالی‌رتبه دولت سابق است که به اتهام فساد مالی بازداشت می‌شود. از جمله دیگر افرادی که در جریان این پرونده فسادهای مالی بازداشت شده‌اند می‌توان به وزیر پیشین ارتباطات و وزیر پیشین امور جوانان اشاره کرد.

ساکا که یک تاجر است، در فاصله سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ میلادی رییس‌جمهور السالوادور بود. همچنین دادستانی کل السالوادور اعلام کرد علاوه بر رییس‌جمهور پیشین این کشور، شش تن از مقامات دولت پیشین نیز بازداشت شده‌اند.

گزارش فساد مالی زوما منتشر شد

دیده‌بان مبارزه با فساد مالی در آفریقای جنوبی گزارش خود در مورد اتهام‌های وارده به جاکوب زوما رییس‌جمهوری این کشور را منتشر کرد و خواستار بررسی‌های لازم در این زمینه شد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از پرتوریا، زوما سعی داشت از انتشار گزارش مربوط به فساد مالی خود خودداری کند، تا این که وکلای مدافعش از انصراف وی از این تصمیم خبر دادند. ساعاتی پس از این انصراف،

دیده‌بان مزبور گزارش خود را منتشر کرد و با این کار، وجهه زوما بیش‌ازپیش نزد اذهان عمومی خدشه‌دار شد.

بخشی از این گزارش به اتهام‌های وارده به زوما درمورد باز گذاشتن دست یک خانواده متمول هندی به نام گوپتا مرتبط است. گفته می‌شود که این خانواده بازرگان هندی تأثیر زیادی بر دولت زوما داشته و حتی در انتخاب برخی وزرای کابینه نقش آفریده است.

یافته‌های گزارش ۳۵۵ صفحه‌ای دیده‌بان مزبور حاوی مدارکی است دال بر این که «دیوید ون روین» وزیر سابق دارایی آفریقای جنوبی یک روز قبل از انتصاب به این پست، از محله‌ای در ژوهانسبورگ دیدن کرده است که خانواده گوپتا در آن زندگی می‌کردند. ون روین که متحد زوما است، اندکی پس از انتصاب و در پی سقوط بازارهای آفریقای جنوبی و موج نارضایتی سیاسی در این کشور برکنار شد. در همین حال، شمار زیادی از مردم آفریقای جنوبی در پایتخت تظاهرات کردند و خواستار کناره‌گیری زوما شدند.

نهادهای مبارزه با فساد

گروه ویژه اقدام مالی (FATF)



گروه ویژه اقدام مالی (FATF) از سال ۱۹۸۹ و زیر نظر گروه G۷ ایجاد شد. مأموریت این گروه مقابله با پولشویی و تأمین مالی تروریسم در نظام مالی جهانی است. گروه هفت کشور صنعتی در پاسخ به نگرانی‌های موجود در زمینه پولشویی، گروه ویژه اقدام مالی را در نشست پاریس ۱۹۸۹ تشکیل دادند. سران جی-۷ در بیانیه خود ضرورت تشکیل چنین نهادی برای یکسان کردن مقررات بانکی و مبارزه با پولشویی را بیان کردند.

فعالیت این گروه محدود و در یک بازه زمانی مشخص است و برای تمديد آن نیاز به تصمیم ویژه وزرای کشورهای عضو دارد. برای دوره فعلی که از ۲۰۱۲ شروع شده است تصمیم گرفته شده تا سال ۲۰۲۰ فعالیت‌های این گروه ادامه یابد.

گروه کاری اقدام مالی چگونه کار می‌کند؟

این گروه توصیه‌هایی برای مبارزه با پولشویی در سطح ملی و بین‌المللی تهیه کرده است. یک سال بعد از تأسیس، ۴۰ توصیه توسط این گروه تولید و منتشر شد. از سال ۲۰۰۱ نیز مسأله مقابله با تأمین مالی تروریسم به مأموریت این گروه اضافه شد. در اکتبر ۲۰۰۱ گروه ویژه اقدام مالی ۸ توصیه ویژه برای مواجهه با تأمین مالی تروریسم مطرح کرد. در سال ۲۰۰۴ این گروه با افزودن یک توصیه دیگر توصیه‌های نه‌گانه ویژه را منتشر کرد. در مجموع این گروه ۴۰+۹ توصیه برای مقابله با پولشویی و مبارزه با تأمین مالی تروریسم منتشر کرده است.

در سال ۲۰۰۳ گروه ویژه اقدام مالی گستره توصیه‌های خود را اصلاح کرد و حرفه‌ها و کسب‌وکارهای غیرمالی را نیز در برگرفت. کسب‌وکارهایی از قبیل کازینوها، تاجران سنگ‌ها و فلزات گران‌بها، وکلا و دفترداران رسمی.

توصیه‌هایی که این سازمان ارائه می‌کند مجموعه‌ای از معیارهای جامع و سازگار است که کشورها باید برای مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم آن‌ها را به کار ببرند. با توجه به این که هر کشور سیستم حکومتی، قانونی و اجرای مخصوص خود را دارد، باید توصیه‌های این سازمان را که

براساس استانداردهای بین‌المللی هستند مطابق با شرایط داخلی کشور خود به کار برند. این توصیه‌ها معیاری‌های ضروری را ارائه کرده‌اند تا کشورها با اجرای آن‌ها بتوانند:



- منابع ریسک را شناسایی کنند و سیاست‌ها و هماهنگی‌های داخلی را توسعه دهند.

- پولشویی، حمایت از گروه‌های تروریستی و توسعه سلاح‌های کشتار جمعی را دنبال و کنترل کنند.

- معیارهای ممانعت‌کننده را در بخش مالی خود به کار برند.

- قدرت و اختیار لازم را برای نهادهای باکفایت در زمینه‌های تحقیق، اعمال قوانین و نظارت ایجاد کنند.

- شفافیت و دسترسی اطلاعات درمورد افراد و قراردادهای را بهبود ببخشند.

- در همکاری‌های بین‌المللی تسهیل ایجاد کنند.

در مسیر زمان، فعالیت‌های این گروه گسترده‌تر شد و در نتیجه در سال ۲۰۱۲ مقابله با تأمین مالی فعالیت‌های اشاعه‌ای نیز به مأموریت این گروه اضافه گردید و در همین سال آخرین ویرایش توصیه‌های خود را برای مقابله با جرایم مالی (تأمین مالی تروریسم، تأمین مالی فعالیت‌های اشاعه‌ای، پولشویی و ...) منتشر کرد. عنوان این توصیه‌نامه «استانداردهای

بین‌المللی در مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم و اشاعه‌گری» است.

این گروه میزان پیشرفت کشورهای عضو در زمینه‌ی پیاده‌سازی توصیه‌های این گروه را رصد و همچنین پیشرفت تصویب و اجرای توصیه‌های گروه در سطح جهان را نیز دنبال می‌کند. براساس همین رصد و نظارت، گروه ویژه اقدام مالی کشورها را به سه دسته تقسیم کرده است. یک دسته کشورهایی هستند که از نظر این گروه کاملاً بر توصیه‌های این گروه منطبق بوده و آن‌ها را اجرا کرده‌اند. این گروه بیشتر کشورهای توسعه‌یافته هستند. گروه دوم کشورهایی هستند که در حال پیشرفت و تطبیق با استانداردهای مشخص شده می‌باشند. دسته آخر کشورهایی هستند که با این گروه همکاری ندارند و لذا از نظر این گروه، همین کشورها دارای خطر پولشویی و تأمین مالی تروریسم هستند.

این دسته خود به دو دسته تقسیم می‌شوند. یک دسته کشورهایی که علیه آن‌ها «اقدام متقابل» انجام نمی‌شود. دسته دیگر آن‌هایی هستند که علاوه بر بودن در لیست سیاه علیه آن‌ها اقدام متقابل نیز صورت می‌گیرد.

گروه ویژه اقدام مالی و سازمان ملل

در سال ۲۰۰۵ شورای امنیت سازمان ملل در قطعنامه ۱۶۱۷ تصریح کرده است: [سازمان ملل] قویاً اصرار می‌کند تا تمامی اعضا به صورت کامل استانداردهای تهیه‌شده در گروه ویژه مالی را شامل ۴۰ توصیه درباره پولشویی و ۹ توصیه برای تأمین مالی تروریسم اجرا کنند.

اعضا و نهادهای همکار گروه ویژه اقدام مالی

در سال‌های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ اعضای اصلی گروه از ۱۶ به ۲۸ عضو رسید. در سال ۲۰۰۰ اعضا به ۳۱ کشور افزایش یافت. اکنون این گروه ۳۷ عضو دارد. ۳۵ کشور و ۲ نهاد منطقه‌ای اعضای گروه هستند.

کشورهای عضو عبارت/ند از: آرژانتین، استرالیا، اتریش، بلژیک، برزیل، کانادا، چین، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، هنگ کنگ، ایسلند، هند، ایرلند، ایتالیا، ایران، ژاپن، جمهوری کره، لوکزامبورگ، مالزی، مکزیک، هلند، نیوزیلند، نروژ، پرتغال، روسیه، سنگاپور، آفریقای جنوبی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، ترکیه، انگلیس و آمریکا.

کمیسیون اروپا و شورای همکاری خلیج فارس نیز به عنوان دو نهاد منطقه‌ای عضو این گروه هستند.

اعضای ناظر: عربستان و رژیم صهیونیستی

اعضای وابسته گروه: گروه آسیا و اقیانوسیه مبارزه با پولشویی، گروه ویژه مالی کارائیب و ... در هر منطقه جغرافیایی این گروه یک گروه وابسته دارد که بانامهای متفاوت فعالیت می کنند.

سازمان های ناظر گروه: برخی از سازمان ها که عمدتاً بانک های توسعه ای هستند با گروه همکاری می کنند مانند: بانک توسعه ای آفریقا، بانک توسعه آسیا و ..

استانداردهای بین المللی مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم

توصیه های چهل گانه گروه ویژه اقدام مالی

الف - ساختار کلی توصیه ها

توصیه ۱- هر کشور باید برای تأیید و تحقق کامل موافقت نامه سال ۱۹۸۸ سازمان ملل متحد- در مورد مسأله قاچاق یا عبور غیرقانونی مواد مخدر و داروهای روان گردان، گام های سریعی بردارد (توافق نامه وین).

توصیه ۲- قوانین «حفظ اسرار» مؤسسات مالی نباید به گونه ای باشند که از اجرای این توصیه ها جلوگیری به عمل آورند.

توصیه ۳- اجرای مؤثر یک برنامه مبارزه با پولشویی نیازمند مشارکت چندجانبه و گسترده و همچنین همکاری‌های قانونی متقابل بین کشورها در تحقیقات مربوط به روش‌های جدید پولشویی و رسیدگی به شکایات و در صورت امکان، درخواست تحویل و استرداد موارد مربوط به پولشویی است.

ب- نقش نظام‌های قانونی ملی و دولتی در مبارزه با پولشویی

محدوده جرایم کیفری و پولشویی

توصیه ۴- هر کشوری حتی‌الامکان باید قوانین و مقرراتی را به تصویب برساند که بتواند عمل پولشویی را همان‌گونه که در موافقت‌نامه وین قیدشده، جرم کیفری اعلام کند. بنابراین، کشورها باید آن دسته از جرایم جدی را که منشاء جرم پولشویی محسوب می‌شوند، تعیین کنند.

توصیه ۵- همان‌گونه که در موافقت‌نامه وین مقررشده، جرم پولشویی زمانی مصداق پیدا می‌کند که مرتکب شونده از عمل پولشویی علم و اطلاع داشته باشد و بتوان این آگاهی را از شرایط عینی استنباط کرد.

توصیه ۶- در صورت امکان، شرکت‌هایی که مرتکب عمل پولشویی می‌شوند، نه تنها کارکنان آن‌ها باید مشمول پیگرد قانونی قرار گیرند بلکه در صورت لزوم، مجموعه‌ای از مجازات‌های انضباطی و مالی ازجمله لغو، تحدید یا تعلیق مجوز شرکت مذکور نیز اعمال می‌شود.

معیارهای موقت و مصادره

توصیه ۷- کشورها در صورت لزوم می‌توانند معیارهایی قانونی، مانند معیارهای مندرج در موافقت‌نامه وین، تصویب کنند تا مراجع ذی‌صلاح بتوانند اموال، عایدات و وسایل مورد استفاده در ارتکاب جرم یا به‌قصد استفاده در ارتکاب هرگونه جرم پولشویی یا اموال معادل ارزش آن را بدون نقض حقوق طرف‌های ثالث با حسن نیت، مصادره کنند. این معیارها باید شامل موارد زیر باشند:

- شناسایی، ردیابی و ارزشیابی اموال مشمول مصادره

- انجام دادن اقدام‌های فوری مثل ضبط و توقیف اموال و پیشگیری از انجام دادن هرگونه معامله، نقل و انتقال یا دخل و تصرف در این گونه اموال

- اتخاذ هر نوع اقدام تجسسی مناسب.

کشورها باید علاوه بر مصادره اموال و مجازات کیفری، مجازات جزایی و مدنی یا دادرسی‌های مدنی را هم در نظر بگیرند تا دولت‌ها به کمک آن‌ها بتوانند مانع هرگونه قراردادی بین طرف‌های ذی‌ربط، آنجا که این ذی‌نفعان می‌دانسته‌اند یا منطقاً باید می‌دانسته‌اند که در نتیجه قرارداد آن‌ها، دولت در اقدام‌های خود برای تحصیل مطالبات مالی (از طریق مصادره یا دریافت جریمه و اعمال مجازات) با مانع روبه‌رو خواهند شد، شوند.

ج- نقش نظام مالی در مبارزه با عمل پولشویی

توصیه ۸- توصیه‌های (۱۰) تا (۲۹) علاوه بر بانک‌ها، مؤسسات مالی غیربانکی را نیز شامل می‌شوند. این امر حتی برای آن دسته از مؤسسات مالی غیربانکی فعال در کشور (مانند صرافی‌ها که مشمول نظام موجود نظارت رسمی نیستند) نیز باید اعمال شوند. دولت‌ها باید ترتیبی اتخاذ کنند که این مؤسسات نیز مانند مؤسسات مالی مشمول قوانین و مقررات ضد پولشویی شوند و این قوانین و مقررات به‌طور مؤثر اجرا شوند.

توصیه ۹- مقام‌های دولتی باید اجرای توصیه‌های (۱۰) تا (۲۱) و (۲۳) را برای هدایت فعالیت‌های مالی که توسط مؤسسات غیرمالی مجاز نیز انجام می‌شود، در نظر بگیرند (فعالیت‌های مندرج در ضمیمه پیوست). کشورها در خصوص کاربرد قوانین و ضوابط ضد پولشویی از این اختیار برخوردارند که با توجه به موقعیت‌های خاص (برای مثال، هنگامی که یک فعالیت به‌صورت اتفاقی و در سطح محدود صورت می‌گیرد، یا فعالیت سازمان‌یافته و مستمر است) تدابیری بیندیشند.

اصول شناسایی مشتری و حفظ اسناد

توصیه ۱۰- مؤسسات مالی نباید حساب‌های ناشناس (بی‌نام) یا صورت‌حساب‌هایی که جعلی بودن آن‌ها محرز است، نگهداری کنند؛ به عبارت دیگر، مؤسسات مذکور باید طبق قوانین، مقررات و توافق بین مقام‌های ناظر و مؤسسات مالی یا براساس موافقت‌نامه‌های داخلی بین مؤسسات مالی، به شناسایی و نگهداری سوابق مشتریان خود براساس مدارک شناسایی رسمی و معتبر و نیز نگهداری این سوابق و مدارک، حسب مورد یا مبتنی بر رویه‌های معمول، هنگام برقرار کردن روابط تجاری یا انجام دادن معاملات (به‌ویژه گشایش حساب‌ها یا دفترچه‌های حساب پس‌انداز و کالته یا اجاره صندوق‌های امانات بانکی و انجام معاملات نقدی) ملزم شوند. به منظور اجرای مقررات شناسایی اشخاص حقوقی، مؤسسات مالی باید در صورت لزوم اقدام‌های زیر را انجام دهند.

- برای اثبات و تأیید موجودیت و ساختار فعالیت‌های مشتری، اساسنامه و دیگر مدارک لازم برای تأسیس شرکت، از جمله اطلاعات مربوط به نام مشتری، ماهیت حقوقی، نشانی، مشخصات مدیران و مقررات مربوط به تأسیس آن از خود مشتری با یک دفتر ثبت رسمی یا از هر دو باید دریافت گردد.
- صحت این موضوع که آیا شخص اقدام کننده از جانب مشتری دارای اختیار است یا خیر و نیز مدارک شناسایی شخص مزبور باید مورد بررسی قرار گیرد.

توصیه ۱۱- مؤسسات مالی باید برای کسب اطلاعات درباره هویت واقعی افرادی که حسابی برای آنان افتتاح می‌شود یا معامله‌ای انجام می‌گیرد - به‌ویژه چنانچه تردیدی وجود داشته باشد مبنی بر این که مشتریان (ارباب رجوع) خودسرانه عمل می‌کنند - معیارها و اقدام‌های معقولی را مدنظر قرار دهند برای مثال این مسأله در مورد نمایندگی‌های شرکت‌های خارجی (مانند مؤسسات و نهادهای، بنگاه‌ها، بنیادها، تراست‌ها و غیره) که

هیچ گونه فعالیت تجاری یا تولیدی در کشوری که به ثبت رسیده اند، انجام نمی دهند صدق می کند.

توصیه ۱۲- مؤسسات مالی باید حداقل به مدت پنج سال تمام اطلاعات و اسناد و مدارک لازم مربوط به معاملات داخلی و خارجی را به نحوی نگهداری کنند که بتوانند به هنگام درخواست مراجع قانون بلافاصله آن ها را ارائه دهند.

چنین سوابقی باید درحدی باشد که امکان بازسازی تک تک معاملات (برای مثال مقدار و نوع ارز به کار رفته) را میسر سازد و در صورت لزوم دلایل کافی برای تعقیب رفتار مجرمان را در اختیار مقام های ذی صلاح قرار دهد.

مؤسسات مالی باید اسناد شناسایی (شناسنامه، گواهینامه رانندگی یا اسناد مشابه آن) پرونده های مربوط به صورت حساب و فعالیت های تجاری را حداقل به مدت پنج سال بعد از بسته شدن حساب نگهداری کنند. این اسناد در مواقعی که به پیگرد قانونی و تحقیقات در مورد مسأله مربوط می شود باید در دسترس مسئولان و مقام های ذی صلاح قرار گیرد.

توصیه ۱۳- کشورها باید به خطرهای تغییر مداوم شیوه های پولشویی که ناشی از فناوری جدید است توجه خاصی داشته باشند و تدابیری اتخاذ کنند که در صورت نیاز بلافاصله اقدام هایی را برای جلوگیری از کاربرد فعالیت های تطهیر پول انجام دهند.

افزایش تلاش های مؤسسات مالی

توصیه ۱۴- مؤسسات مالی باید به تمام معاملات کلان، پیچیده و غیرمعمول و نیز طرح های تجاری که اهداف قانونی مشخص یا اهداف ظاهراً اقتصادی ندارند، توجهی خاص داشته باشند.

سابقه و هدف چنین معاملاتی باید تا حد امکان موردبررسی و تحقیق قرار گیرد و یافته‌ها به صورت مکتوب ثبت و به ناظران حسابرسان و مراکز نیروی انتظامی ارائه شود.

توصیه ۱۵- در صورتی که مؤسسات مالی تردید داشته باشند که وجوه موردنظر از نوعی فعالیت مجرمانه حاصل شده باید به سرعت سوءظن خود را به مقام‌های ذیصلاح گزارش کنند.

توصیه ۱۶- با اتخاذ تدابیر قانونی لازم، بایستی مؤسسات مالی، مدیران، مقام‌ها، متصدیان و کارکنان آن‌ها در برابر هرگونه پیگرد کیفری یا مدنی برای نقض مقررات افشای اطلاعات که از طریق قرارداد یا ضوابط قانونی، مقرراتی و اجرایی وضع شده، موردحمایت قرار گیرند. این امر در صورتی است که آن‌ها موارد سوءظن خود را با حسن نیت به مقام‌های مسئول گزارش کنند، حتی اگر از ماهیت دقیق فعالیت مجرمانه آگاهی نداشته باشند و چنین فعالیتی درواقع اتفاق نیفتاده باشد.

توصیه ۱۷- مؤسسات مالی، مدیران، متصدیان و کارکنان آن‌ها تا آنجا که به آن‌ها مربوط می‌شود نباید اجازه دهند مشتریان متخلف پیش از آن‌که اطلاعات مربوط به آن‌ها به مقام‌های مسئول گزارش شود از موضوع آگاه شوند.

توصیه ۱۸- مؤسسات مالی که سوءظن خود را گزارش می‌کنند باید از دستورالعمل‌های مقام‌های ذیصلاح پیروی کنند.

توصیه ۱۹- مؤسسات مالی باید به توسعه و طراحی و تدوین برنامه‌هایی برای مقابله با پولشویی بپردازند.

این برنامه‌ها باید حداقل موارد زیر را پوشش دهند:

- تدوین خط‌مشی‌ها، مقررات و ضوابط داخلی شامل تعیین جایگاه‌های نظارتی در سطح مدیریت و مقررات استخدامی و گزینشی مناسب برای رعایت کامل معیارها به هنگام استخدام کارکنان

- اجرای برنامه‌های مستمر آموزشی برای کارکنان

- تعیین یک ساختار حسابرسی برای بررسی عملکرد نظام

- تدابیر لازم در برابر کشورهای دارای معیارهای ضعیف

توصیه ۲۰- مؤسسات مالی باید اصولی را که در بالا قید شده، برای شعب و نمایندگی‌های خارجی خود هم به کار ببرند (به‌ویژه در مورد شعب و نمایندگی‌های واقع در کشورهایی که توصیه‌ها و توصیه‌های مزبور را رعایت نکرده یا در مورد آن‌ها بسیار ضعیف عمل می‌کنند). هنگامی که قوانین و مقررات داخلی کشور خارجی، اجرای این ضوابط را غیرممکن می‌کنند، مؤسسات مالی باید موضوع را به اطلاع مراجع ذی‌صلاح مؤسسه مادر برسانند.

توصیه ۲۱- مؤسسات مالی باید در مورد معاملات و روابط تجاری با افراد، شرکت‌ها و مؤسسات مالی مربوط به کشورهایی که به این توصیه‌ها عمل نمی‌کنند یا بسیار ضعیف عمل می‌کنند، نهایت دقت و توجه را مبذول دارند.

هنگامی که این گونه معاملات هیچ هدف اقتصادی یا قانونی ندارند تا جایی که امکان دارد، باید جزئیات، کاربرد و هدف آن معامله بررسی شود و یافته‌های حاصل به صورت کتبی به اطلاع ناظران، حساب‌رسان و مراکز نیروی انتظامی رسانده شود.

تدابیر دیگر برای جلوگیری از پولشویی

توصیه ۲۲- کشورها باید در راه تحقق این امر، اقدام‌هایی به عمل آورند تا هرگونه نقل و انتقال فیزیکی وجوه نقد و اسناد در وجه حامل بین مرزها را شناسایی کنند و با دقت زیر نظرگیرند. این امر مستلزم نظام نظارتی دقیق است تا استفاده مناسب و صحیح از اطلاعات تضمین شود، بدون این که مانعی در مسیر آزادی جابه‌جایی سرمایه‌ها ایجاد شود.

توصیه ۲۳- کشورها باید به ایجاد نظامی همت بگمارند که در آن بانک‌ها، مؤسسات و واسطه‌های مالی تمام اخبار معاملات ارزی بین‌المللی و داخلی

(بیشتر از حد تعیین شده) را به یک مرکز ملی مجهز به داده‌های رایانه‌ای گزارش دهند. این اخبار و اطلاعات باید ضمن رعایت دقیق اصول حفاظتی، برای استفاده درست در موارد مبارزه با پولشویی در اختیار مراجع ذیصلاح قرار گیرند.

توصیه ۲۴- به‌طور کلی کشورها باید از توسعه راهکارهای جدید در مدیریت مالی، مانند استفاده بیشتر از چک، کارت‌های اعتباری، واریز مستقیم چک‌های حقوقی و ثبت دفتری اوراق و اسناد بهادار به‌عنوان راه‌هایی برای تشویق در جایگزینی نقل‌وانتقال نقدی، بیشتر حمایت کنند.

توصیه ۲۵- کشورها باید به این احتمال که ممکن است شرکت‌هایی صوری ابزار سوءاستفاده پولشویان قرار گیرند، توجه کافی داشته باشند و تدابیر بیشتری برای جلوگیری از استفاده غیرقانونی از چنین شرکت‌هایی اتخاذ کنند.

نقش تنظیمی و دیگر مقام‌های اداری

توصیه ۲۶- مقام‌های مسئول نظارت بر بانک‌ها و دیگر مؤسسات یا واسطه‌های مالی و نیز سایر مقام‌های ذیصلاح باید ترتیبی اتخاذ کنند که مؤسسات تحت نظارت آنان برنامه‌ریزی کافی برای مقابله با عمل پولشویی، داشته باشند. این مقام‌ها باید داوطلبانه یا براساس تقاضای سایر مسئولان اجرایی و قضایی، در تحقیقات مربوط به اقدام‌های پولشویی و پیگردهای قانونی، باهم همکاری کنند و نظر کارشناسان خود را ارائه دهند.

توصیه ۲۷- مقام‌های ذیصلاح باید به‌گونه‌ای انتخاب شوند که اجرای مؤثر تمام توصیه را از طریق وضع مقررات و نظارت اجرایی بر حرفه‌های دیگر که با وجوه نقد سروکار دارند، تضمین کنند.

توصیه ۲۸- مقام‌های مسئول باید ضوابط و مقرراتی را برای کمک به مؤسسات مالی در شناسایی الگوهای رفتاری مشکوک مشتریان، وضع کنند. باید توجه داشت که این‌گونه ضوابط به‌مرور زمان وضع می‌شوند و

هرگز کامل نیستند. درضمن باید توجه داشت که چنین مقرراتی در درجه اول به عنوان ابزار آموزشی برای کارکنان مؤسسات مالی وضع می‌شوند.

توصیه ۲۹- مقام‌های ناظر بر مؤسسات مالی، باید اقدام‌های نظارتی و قانونی لازم را به عمل آورند تا از نفوذ یا مشارکت فعال مجرمان یا همدستان آن‌ها در مؤسسات مالی ممانعت به عمل آید.

د- تقویت همکاری‌های بین‌المللی

همکاری اجرایی - تبادل اطلاعات کلی

توصیه ۳۰- سازمان‌های ملی باید جریان گردش وجوه بین‌المللی (با هر نوع ارز رایج) را حداقل به‌طور کلی ثبت کنند تا بتوانند گردش وجوه نقد حاصل از منابع مختلف خارجی را با کمک اطلاعات بانک مرکزی خود، تخمین بزنند. چنین اطلاعاتی باید برای تسهیل در امر تحقیقات و مطالعات بین‌المللی در اختیار صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی قرار گیرد.

توصیه ۳۱- مراجع و مسئولان ملی باید مسئولیت جمع‌آوری و تبادل اطلاعات درمورد آخرین تحولات پولشویی و شیوه‌های پولشویی را به مراجع ذی‌صلاح بین‌المللی، نظیر اینترپل و سازمان گمرک جهانی، واگذار کنند. بانک‌های مرکزی و تنظیم‌کنندگان سیاست‌های بانکی نیز باید همین کار را در شبکه مربوط به خود انجام دهند. در آن صورت، مراجع ملی در حوزه‌های مختلف با همکاری اتحادیه‌های تجاری می‌توانند اطلاعات مزبور را جداگانه بین مؤسسات مالی در کشورهای مختلف توزیع کنند.

تبادل اطلاعات مربوط به معاملات مشکوک

توصیه ۳۲- هر کشور باید تلاش کند تا امر مبادله اطلاعات بین‌المللی درمورد معاملات مشکوک و اشخاص و مؤسسات درگیر در آن، به‌صورت داوطلبانه یا «طبق درخواست»، بین مراجع ذی‌صلاح تسهیل گردد. در

ضمن باید تدابیری اتخاذ گردد که این تبادل اطلاعات، مطابق با مصالح ملی، ضوابط بین‌المللی و حفظ اسرار و اطلاعات شخصی باشد.

اشکال دیگر همکاری‌ها معیارهای همکاری در مصادره، تشریک‌مساعی و استرداد مجرمان

توصیه ۳۳- کشورها باید براساس توافق‌های دو یا چندجانبه، تدابیری اتخاذ کنند که معیارهای مختلف شناخت (اطلاع از موضوع) در تعاریف ملی- مانند معیارهای مختلف عنصر عمد در عمل- تأثیر منفی بر همکاری‌های قانونی متقابل آن‌ها نگذارد.

توصیه ۳۴- همکاری‌های بین‌المللی باید از پشتوانه شبکه‌ای توافق‌ها و همکاری‌های دو یا چندجانبه بر پایه مفاهیم مشترک قانونی، برخوردار باشند تا معیارهای عملی برای همکاری‌های متقابل گسترده‌تر و بیشتر، فراهم گردد.

توصیه ۳۵- کشورها باید به تصویب و اجرای کنوانسیون‌های بین‌المللی در مورد پولشویی، نظیر کنوانسیون مصوب ۱۹۹۰ شورای اروپا، تجسس، ضبط و مصادره عایدات حاصل از جرم، تشویق شوند.

تأکید بر بهبود همکاری‌های متقابل در مورد مسائل پولشویی

توصیه ۳۶- مراجع ذی‌صلاح کشورهای مختلف باید به همکاری در انجام تحقیقات تشویق شوند. یکی از فنون تحقیقاتی معتبر و مؤثر در این زمینه، ضبط و مصادره عواید حاصل از فعالیت‌های مجرمانه است. کشورها باید تا آنجا که ممکن است، از این فن حمایت کنند.

توصیه ۳۷- باید ضوابطی برای همکاری متقابل در امور کیفری درخصوص استفاده از مقررات اجباری، شامل بایگانی سوابق توسط مؤسسات مالی و دیگر اشخاص حقوقی، بازرسی از اشخاص و اماکن، ضبط و اخذ مدارک برای استفاده در تحقیقات و پیگردهای قانونی مربوط به پولشویی در حوزه‌های قضایی خارجی، در نظر گرفته شود.

توصیه ۳۸- باید اقدام‌هایی فوری در پاسخ به درخواست کشورهای خارجی برای شناسایی، ضبط، توقیف و مصادره عایدات حاصل از فعالیت‌های پولشویی و جرایم منشأ یا دیگر اموال دارای ارزش معادل، به عمل آید. باید توافق‌هایی بین کشورها برای هماهنگ‌سازی امور توقیف و مصادره این عایدات نیز در نظر گرفته شود تا در آن سهم دارایی‌های مصادره شده مشخص باشد.

توصیه ۳۹- در جهت اجرای عدالت و برای پرهیز از تضاد و اختلاف بین نظام‌های قضایی کشورهای مختلف باید سازوکارهایی برای تعیین بهترین محل رسیدگی به جرم متهمان در مواردی که این پیگرد در بیش از یک کشور صورت می‌گیرد، در نظر گرفته شود. به همین ترتیب باید برای ایجاد هماهنگی در امور توقیف و مصادره عایدات و تعیین سهم دارایی‌های مصادره شده برای هر کشور، توافق‌ها و معاهداتی منعقد شود.

توصیه ۴۰- کشورها باید تا حد امکان راهکارهایی در زمینه استرداد و تحویل افراد متهم به فعالیت پولشویی یا جرایم مرتبط به آن، داشته باشند. هر کشور در چارچوب نظام قانونی خود، باید پولشویی را به عنوان جرمی که مشمول قرارداد استرداد مجرمان است، اعلام کند. کشورها با توجه به ساختار قانونی خود، باید امر استرداد مجرمان را حتی‌الامکان تسهیل کنند. این کار می‌تواند از طریق: اجازه مستقیم استرداد مجرمان بین وزارتخانه‌های ذی‌ربط، استرداد اشخاص فقط براساس احکام دادگاه‌ها، استرداد اتباع خود یا معرفی یک روش آسان استرداد که ضوابط استرداد رسمی را دور می‌زند، انجام گیرد.

توصیه‌های ویژه ۹ گانه

علاوه بر ۴۰ توصیه یادشده FATF، ۹ توصیه دیگر را با عنوان توصیه‌های ویژه برای کشورهایی که از قانون پولشویی برخوردار نیستند یا این قانون در این کشورها به اجرا درنیامده، متذکر شده است که به شرح زیر است:

توصیه ویژه ۱ - تصویب و اجرای مصوبات سازمان ملل: هر کشوری باید به سرعت گام‌های محکمی را برای تصویب و اجرای کنوانسیون ۱۹۹۹ سازمان ملل در مقابله با نقل و انتقال پول توسط گروه‌های تروریستی بردارد. همچنین کلیه کشورها باید تصمیمات سازمان، ملل درخصوص جلوگیری و توقیف فعالیت‌های تروریستی را به مرحله اجرا درآورند.

توصیه ویژه ۲ - مجازات نقل و انتقال پول توسط گروه‌های تروریستی و پولشویی مرتبط با آن: همه کشورها باید مجازات سنگینی برای جابه‌جایی پول به نفع گروه‌های تروریستی وضع کنند. همچنین این قانون‌شکنی باید به‌منزله یکی از روش‌های پولشویی تلقی شود.

توصیه ویژه ۳ - مصادره و ضبط دارایی‌های تروریست‌ها: همه کشورها باید در جهت ضبط دارایی گروه‌های تروریستی و سازمان‌هایی که به این گروه‌ها کمک می‌کنند، بدون هیچ وقفه‌ای اقدام کنند. همچنین در راستای اجرای این بند، باید همکاری کامل بین قوای مقننه به‌عنوان قدرت قانون‌گذار نهادهای اجرایی در جهت ضبط و مصادره دارایی گروه‌های مزبور برقرار شود.

توصیه ویژه ۴ - گزارش‌دهی نقل و انتقال‌های مشکوک و مرتبط با فعالیت‌های تروریستی: مؤسسات مالی یا سایر شخصیت‌های حقوقی که موظف به اجرای قوانین ضدپولشویی هستند، موظف‌اند هرگونه ارتباط مالی و نقل و انتقال پول با گروه‌های تروریستی را بی‌درنگ به مراجع ذی‌صلاح گزارش دهند.

توصیه ویژه ۵ - همکاری بین‌المللی: کلیه کشورها باید با سایر کشورها براساس پیمان‌ها و قراردادهای فی‌مابین، در زمینه طراحی و اجرای سازوکار کمک‌های قانونی یا تبادل اطلاعات همکاری کنند. این همکاری باید در بالاترین سطح در زمینه‌ی اطلاعات تروریستی و تحقیقات قضایی باشد.

همچنین کلیه کشورها باید اطمینان حاصل کنند که پناهگاهی امن برای تروریست‌ها و فعالیت‌های تروریستی فراهم نکنند و زمینه‌های تبادل مجرمین را مهیا نمایند.

توصیه ویژه ۶ - کنترل نقل و انتقال وجوه: کلیه کشورها باید زمینه‌های کنترل نقل و انتقال پول از سوی اشخاص، بنگاه‌ها و شرکت‌هایی که به صورت رسمی یا غیررسمی در زمینه جابه‌جایی پول اقدام می‌کنند، فراهم سازند. این کنترل‌ها باید در زمینه وجود مجوز یا ثبت این اشخاص باشد و شامل مؤسسات پولی و غیرپولی می‌شود. همچنین مجازات فعالیت‌های غیرمجاز در این زمینه باید شامل مجازات قانونی و تحریم‌های متناسب باشد.

توصیه ویژه ۷ - نقل و انتقال الکترونیک: همه کشورها باید در مورد کلیه مؤسسات مالی، اطلاعات لازم شامل نام، آدرس و شماره حساب فرستندگان و گیرندگان وجوه نقد را کنترل کنند.

توصیه ویژه ۸ - نهادهای غیرانتفاعی: کلیه کشورها باید کفایت قوانین و مقررات حاکم بر اشخاص حقوقی که از آن‌ها در جهت سوءاستفاده برای مقاصد تروریستی استفاده شده است را کنترل کنند. از جمله این مؤسسات، نهادهای غیرانتفاعی هستند که در این زمینه آسیب‌پذیرند و کشورها باید اطمینان حاصل کنند که سازمان‌های تروریستی که در قالب مشروع فعالیت می‌کنند در قالب قانونی از این مؤسسات در جهت نقل و انتقال پول استفاده نکنند.

توصیه ویژه ۹ - جابه‌جاکنندگان پول: کشورها باید زمینه تشخیص و جلوگیری از نقل و انتقال وجوه از طریق مرزها و به صورت فیزیکی را فراهم سازند. این کنترل باید از طریق تفویض اختیار لازم به مراجع ذیصلاح برای مهار کردن ابزار نقل و انتقال فیزیکی وجوه یا اعلام اطلاعات نادرست باشد. همچنین قوانین موضوعه باید به نحو شایسته‌ای طراحی شود تا از قدرت بازدارندگی لازم برخوردار باشد. این قوانین در شرایط جابه‌جایی‌های وجوه به نفع گروه‌های تروریستی باید با توصیه شماره ۳ ارائه‌شده از سوی FATF سازگار باشد و امکان ضبط و مصادره وجوه را ایجاد کند. توجه: برای تطبیق توصیه شماره ۹ با سایر توصیه‌ها، FATF توصیه ۱۹ و تفسیر این توصیه را برای سازگاری با سایر توصیه‌ها حذف کرد. توصیه اصلاح‌شده ۱۹ به شرح زیر است: کلیه کشورها باید کلیه بانک‌ها و

نهادهای واسطه‌گری مالی را موظف کنند نقل و انتقال وجوه نقد بالاتر از یک‌میزان مشخص را با استفاده از پایگاه داده‌ها به مراجع ذی‌صلاح در شرایط مشکوک بودن به فعالیت‌های تروریستی گزارش دهند.

مدیریت خطر فساد در گمرک

از طریق سیستم‌های پنجره واحد



مؤلف: دنیس ندونگا^۱

مجله گمرک جهانی^۲

۱ . Dennis Ndonga

۲ . World Customs

مقدمه

اصطلاح فساد طیف وسیعی از شرایط و اقدامات را پوشش می‌دهد و اساساً پدیده‌ای است که هم در کشورهای توسعه‌یافته و هم در حال توسعه وجود داشته و بخش‌های مختلف اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تعاریف عمومی برای این اصطلاح عبارت‌اند از: انحراف آشکار و استفاده از بودجه عمومی برای کسب منافع خصوصی توسط مقامات دولتی (Nwabuzor, ۲۰۰۵)، سوءاستفاده از اعتماد عمومی برای کسب منافع خصوصی (تودارو و اسمیت ۲۰۰۳، ص ۷۱۱)، استفاده غیر قانونی از قدرت برای منافع شخصی (زیمیرینگ و جانسون ۲۰۰۵، ص ۷۹۳) و سوءاستفاده از مقام دولتی برای کسب منافع خصوصی. این مقاله تمامی تعاریف فوق را می‌پذیرد. در اصل این اصطلاح دربردارنده تخلف مقام دولتی از قوانین حکومتی برای نفع شخصی یا از طریق رشوه، حمایت، اخاذی، پارتی بازی، سرقت دارایی‌های عمومی یا انحراف درآمدهای عمومی است. در چارچوب گمرک، فساد سوءاستفاده از قدرت به وسیله مقامات گمرکی برای نفع شخصی است.

انواع فساد در گمرک

فساد در بسیاری از سازمان‌های گمرکی تبدیل به یک هنجار شده است. ادارات گمرکی در اقتصادهای در حال گذار تبدیل به فاسدترین نهاد دولتی شده‌اند (شفافیت بین‌المللی). فساد گمرکی جنبه‌های مختلفی دارد. ماهیت فعالیت‌های فسادانگیزی که مقامات گمرکی به‌طور معمول در آن درگیر هستند از کشوری به کشور دیگر متفاوت است و طیف متنوعی از اقداماتی چون اخاذی، حمایت، پارتی‌بازی، اختلاس و رشوه را دربر می‌گیرد. اغلب این فعالیت‌ها برای دریافت پاداش یا پول است.

درجات چنین سوءاستفاده‌هایی نیز از اقدامات ساده‌ای چون چشم‌پوشی کردن تا کمک به خلاف‌های سنگینی چون قاچاق کالا متفاوت است. بنابراین این موضوع شرح و تفصیل همه شکل‌های فساد گمرکی را مشکل می‌کند. با این حال هورس Hors طبقه‌بندی ساده‌ای از شکل‌های

مختلف فعالیت‌های فاسد در گمرک ارائه می‌دهد. او فساد در گمرک را به فساد معمول، متقلبانه و فساد مجرمانه طبقه بندی می‌کند.



فساد معمول

این نوع از فساد زمانی اتفاق می‌افتد که متصدیان خصوصی به‌منظور کاهش تشریفات معمول گمرکی یا تسریع در انجام آن به مقامات گمرکی رشوه می‌دهند. به‌طور خلاصه در این نوع از فساد، مقامات گمرکی برای انجام وظایف خود رشوه دریافت می‌کنند. جلوه چنین فساد را می‌توان در به تأخیر انداختن شروع یا پایان مراحل گمرکی تا زمان پیشنهاد رشوه دید. تکنیک‌های ایجاد چنین تأخیراتی ممکن است به‌صورت رسیدگی سریع به فایل‌های کسانی که رشوه داده‌اند و تأخیر در انجام امور کسانی که رشوه نداده‌اند باشد یا مقامات ممکن است وانمود کنند که حضور ندارند و در جای دیگری درگیر هستند و تنها زمانی در دسترس خواهند بود که رشوه پرداخت شده باشد.

به‌عنوان مثال، فریرا Ferreira گزارش می‌دهد که با وجود این‌که مقامات گمرکی در بندر سیهانوکویل کامبوج به‌صورت ۲۴ ساعته استخدام شده‌اند، فعالیت‌های روزانه خود را در ساعت ۵ بعد از ظهر به پایان می‌رسانند و تنها زمانی متقاعد می‌شوند که در خارج از این ساعت‌ها به فعالیت بپردازند که به آن‌ها رشوه پرداخت شود. نمود دیگری از فساد

معمول در گمرک با تهدید به اخذ عوارض بی جا در فرآیند ترخیص کالا از گمرک به وجود می آید که اغلب به شکل انجام بررسی های فوق العاده جزئی و یا درخواست اسنادی است که فراهم کردن آن ها بسیار مشکل است و یا ارسال محموله برای کنترل بیشتر به قرنطینه و یا هر اقدام غیرضروری دیگری است که ممکن است روند ترخیص کالا را پیچیده کند.

فساد متقلبانه

این نوع از فساد زمانی رخ می دهد که متقاضیان به منظور کاهش بدهی مالیاتی خود و یا دیگر تعهدات وارداتی یا صادراتی، مقامات گمرکی را متقاعد می کنند تا برخی از مراحل مورد نیاز گمرکی را نادیده بگیرند. این شکل از فساد در اصل از سوی متقاضیانی که به دنبال همکاری مقامات گمرکی در اعمال متقلبانه هستند شروع می شود. بنابراین معمولاً در قالب اعلام نادرست اقلام، طبقه بندی نادرست و یا ارزیابی نادرست از واردات و صادرات نمود پیدا می کند. در چنین مواردی وارد یا صادرکنندگان اطلاعات نادرستی در مورد ماهیت، مقدار، مبدا و یا ارزش کالاهای خود ارائه می دهند و در تبانی با مقامات گمرکی خواستار چشم پوشی آن ها از جزئیات می شوند. چنین اقداماتی اغلب موجب محاسبه اشتباه و اغلب کاهش مالیات واقعی می شود.

فساد مجرمانه

چنین فساد زمانی رخ می دهد که در آن به مقامات گمرکی رشوه داده می شود تا اجازه ورود مواد غیرقانونی داده شود. قاچاق مواد مخدر و قاچاق اسلحه جزو این دسته از مفاسد گمرکی قرار دارند.

دلایل فساد

علل فساد از موقعیتی به موقعیت دیگر متفاوت است. فساد اغلب در تاریخ اجتماعی، سیاست های اقتصادی یا سنت بوروکراتیک یک کشور جای گیر

شده و نسبت به حالت خاصی از امور است. با این حال علت ریشه‌ای فساد ممکن است با استفاده از چارچوب تحلیلی کلیتگارد Klitgaard درمورد فساد اداری قابل درک باشد. او استدلال می‌کند که فساد هنگامی رشد می‌کند که مقامات دارای قدرت انحصاری بر روی موکلان خود باشند. هنگامی که مقامات دارای قدرت زیادی باشند و پاسخ‌گویی ضعیف باشد.

این چارچوب می‌تواند محیط امور گمرکی را نیز به شیوه‌های مختلفی دربرگیرد که در زیر مورد بحث قرار گرفته است:

رانت اقتصادی و انحصاری

مفهوم مزیت انحصاری یا رانت اقتصادی در جایی به کار می‌رود که شخصی دارای چیزی منحصر به فرد یا خاص باشد (که یا ناشی از ماهیت آن و یا عرضه محدود آن است). منطق حکم می‌کند که مالک یک کالای انحصاری نرخ گزافی را برای استفاده از آن طلب می‌کند و این موضوع بر تقاضا تأثیر نخواهد گذاشت. در این حالت مالک رانت اقتصادی مقدار بسیار بیشتری را از حالت معمول دریافت می‌کند.

در ارتباط با فساد، در این چارچوب استدلال می‌شود که شرکت‌هایی که دارای انحصار هستند (ناشی از نبود رقابت و یا کنترل منابع محدود) از رانت بالاتری استفاده می‌کنند و بنابراین بوروکرات‌ها نیز حق کنترل بیشتر و با ارزش‌تری دارند. نمونه‌هایی از این نوع شرکت‌ها و بوروکرات‌ها را می‌توان در دستگاه‌های ثبت اسناد زمین‌های ملی دید که به‌خصوص دارای قدرت انحصاری در ثبت مالکیت زمین و صدور مالکیت هستند. درواقع این حق کنترل با ارزش نشان از این واقعیت است که مشتریان چنین اداره‌ای مایل خواهند بود که برای انجام امورشان مبالغ بسیار زیادتری را بپردازند. این موضوع باعث می‌شود تا برای چنین دیوان-سالارانی استفاده از حق کنترل انحصاری‌شان برای اخذ رشوه آسان شود و شرکت را درگیر رشوه کنند.

این موضوع درمورد سازمان‌های گمرکی هم مصداق دارد و آن‌ها نیز از یک انحصار اداری بهره‌مند هستند؛ به این معنا که تنها سازمانی است که

دارای مسئولیت برای برخی امور نظارتی و اداری خاص مربوط به واردات، صادرات و مالیات است. این موضوع هنگامی که با تشریفات، هزینه‌ها و جرایم مرتبط می‌شود، باعث به وجود آمدن رانت اقتصادی می‌شود. در نتیجه متقاضیان حاضر به پرداخت پول برای دستکاری در فرآیند رسمی عملیات گمرکی هستند. بنابراین مقامات گمرک می‌توانند از موقعیت انحصاری خود برای به دست آوردن رشوه از مشتریان استفاده کنند.

اختیارات تشخیصی بالا

این مفهوم حکایت از آن دارد که در صورت وجود نداشتن قوانین قاطع و مقررات حاکم در عرصه فعالیت اقتصادی که قادر به مدیریت تمامی انواع احتمالات فعالیت اقتصادی باشد، مقامات اداری مرتبط در تفسیر و اجرای قوانین انعطاف‌پذیری خواهند داشت. در ارتباط با فساد گمرکی، این مفهوم



مستلزم این ایده است که مدیریت گمرکی به مقامات گمرکی اختیارات تشخیصی زیادی در مورد مسائل مختلف داده شده است. در عمل دستور کار روزانه برای اغلب مقامات گمرکی در درجه اول اداره سیاست‌های تجاری است. گمرک مجری اصلی نیازهای مختلفی مانند تعرفه‌ها، اقدامات ضد دامپینگ، محدودیت‌های کمی و محدودیت‌های تجاری است.

این سیاست‌ها که می‌توانند ذاتاً پیچیده و پویا باشند به تنظیم جنبه‌های مختلف کنترل‌های واردات و صادرات می‌پردازند. اقداماتی که در مورد

واردات انجام می‌شود، اغلب دارای دستورالعملی درباره کالاهایی هستند که می‌توانند آزادانه وارد شوند و یا آن‌هایی که ممنوع شده‌اند و موضوع الزامات داشتن مجوز هستند. همچنین صنایع بومی حساس شناسایی می‌شوند و تعرفه‌هایی گمرکی برای رقابت‌پذیر کردن واردات اعمال می‌کنند. آن‌ها ممکن است واردات را از برخی از کشورهای خاص به دلایل سیاسی و یا اقتصادی ممنوع کنند. درحالی‌که اقداماتی که در مورد صادرات انجام می‌شود دارای برخی مشوق‌هایی برای صادرات صنعتی است باید برخی از پیش‌شرط‌هایی لازم را داشته باشند. این پیچیدگی به مقامات گمرکی اختیار وسیعی را برای اعمال برخی سیاست‌ها در موارد خاص می‌دهد. علاوه بر این، اغلب قوانین گمرکی به‌روز نیستند و به هدف روزآمد کردن آن‌ها به‌صورت دائمی با توجه به شرایط موجود مورد اصلاح قرار می‌گیرند. این تغییرات کار را برای متقاضیان دشوارتر می‌کند و در نتیجه مقامات گمرکی آزادی عمل بیشتری در اقدامات خود دارند. به‌طور مشابه برخی از مقامات گمرکی ممکن است به قیمت‌های مرجع دسترسی نداشته باشند، که به آن‌ها اختیار وسیعی برای ارزشیابی کالاها و ارزیابی وظایف و مالیات‌ها خواهد داد.

تصویری از چگونگی اجرای سیاست‌های تجاری گمرک برای اعمال سیاست‌های تشخیصی را می‌توان در تألیف مینت Myint با عنوان توسعه فرآیند طبقه‌بندی برای ارزیابی وظایف مشاهده کرد که در این زمینه می‌گوید:

یک ضبط صوت زمانی که از آن برای گوش دادن به موسیقی در منزل استفاده می‌کنید می‌تواند به‌عنوان یک محصول الکترونیکی مصرفی لوکس به‌حساب آید، اما همان ضبط صوت زمانی که توسط یک دانش‌آموز در آموزشگاه زبان‌های خارجی استفاده می‌شود به‌عنوان یک ابزار آموزشی استفاده می‌شود. به همین ترتیب می‌توانید آن را به‌عنوان یک دستگاه تبلیغی برای مسائل دینی و ارتقای استانداردهای اخلاقی و معنوی مردم به‌حساب بیاورید.

مطابق توضیحات مینت، در این شرایط عوارض وارداتی به این موضوع بستگی دارد که ضبط صوت را به عنوان یک محصول لوکس الکترونیکی به حساب بیاوریم یا به عنوان یک ابزار آموزشی و یا یک ابزار تبلیغات دینی. بنابراین در استفاده از سیاست‌های تجاری راه‌گزینه‌های زیادی وجود دارد و این ابهامات اختیارات وسیعی را در اختیار مقامات گمرکی قرار می‌دهد که در بسیاری از موارد موجب سوءاستفاده از متقاضیان می‌شود.

پاسخ‌گویی / عدم کنترل کارآمد

مفهوم پاسخ‌گویی به معنای رعایت دقیق قوانین و مقررات و لزوم پاسخ‌گویی مجری این قوانین و مقررات در برابر اقداماتش است. در معنای پاسخ‌گو بودن مدیران، تأثیرات ضدفساد مهمی بر آن مترتب است و موجب می‌شود آن‌ها کمتر در فعالیت‌های فسادانگیز شرکت کنند. در اغلب موارد، فسادهای رخ داده در گمرک، به خاطر نداشتن سازوکار پاسخ‌گویی مناسب مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. دو عامل تأثیر نامطلوبی بر این پاسخ‌گویی داشته‌اند: قوانین فساد گمرکی قابل اغماض و شکست در اجرای صحیح قوانین. ابتدا قوانینی که گفته می‌شود قابل چشم‌پوشی هستند در جایی که تحریم‌های اعمال شده به نظر می‌رسد مهم نباشند هنگامی که مزایای احتمالی آن در فساد را در نظر بگیریم. فساد گمرکی به حیاتش از زمانی که به مقامات گمرکی فرصت جمع‌آوری ثروت تا زمان برکناری می‌دهد ادامه می‌دهد. بنابراین قوانین پاسخ‌گویی نمی‌تواند یک اثر بازدارنده تولید کند، زمانی که نفع مقامات رسمی از اقدامات غیرقانونی بیشتر از هزینه‌های است که احتمال دارد به خاطر این اقدامات بپردازد.

دوم شکست در اجرای صحیح قوانین مربوط به پاسخ‌گویی در شرایطی رخ می‌دهد که مقامات، فاقد اراده یا منابع لازم برای به اجرا درآوردن اقدامات انضباطی هستند. در اینجا منظور آن است که قوانین جلوگیری از فساد مقامات گمرک وجود دارد، اما اجرا نمی‌شود. در نتیجه عواملان فساد گمرکی بدون مجازات باقی می‌مانند. به عنوان مثال، هورس استدلال می‌کند که در پاکستان، یکی از اقدامات انضباطی برای برخورد با یک مقام گمرکی مظنون به فساد، انتقال آن‌ها به شغلی با عنوان افسر امور ویژه

(OSD) است. درواقع آن‌ها از یک پست عمومی دولتی حذف می‌شوند تا در پست ویژه‌ای که برای آن‌ها ایجاد شده است، گمارده شوند. با این حال، این اقدام هیچ گاه با بررسی اتهام، پیگیری و یا مجازاتی همراه نیست. به طور معمول این حالت زمانی به وجود می‌آید که قوانین یا سازوکارهای مدیریت برای پاسخگو نگه داشتن کارمندان برای اعمالشان به طور کامل از بین رفته باشد و یا وجود نداشته باشد. در زمینه گمرک، این امر نشانه وجود نداشتن قوانین مناسب برای بررسی فعالیت و یا حسابرسی مقامات گمرک است. بنابراین، سه پیش شرط مطرح شده در چارچوب کلیتگارد تأثیر مستقیمی بر فساد گمرکی دارد.

نتایج فساد

فساد گمرکی، اثرات منفی بسیاری بر تصویر و اقتصاد یک کشور دارد. در اصل فساد مشروعیت گمرک دولتی را خدشه دار می‌کند و آن را بی اثر می‌سازد و مانعی در برابر اهداف حکومتی می‌شود. چنین اقداماتی توسعه یک کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از پیامدهای عمده فساد گمرکی از دست دادن درآمد است. شیوه‌های غیرقانونی مانند طبقه بندی نادرست، ارزش گذاری غلط واردات و یا فرار از پرداخت مالیات و حتی تبانی توسط اپراتور و مقامات گمرک تأثیر مستقیمی بر میزان درآمد جمع آوری شده دارد. مطالعه‌ای که توسط گرانادو (Arze del Granado) در زمینه جمع آوری عواید عمومی انجام شده است، وجود یک همبستگی منفی بین فساد و جمع آوری عواید را تأیید می‌کند؛ افزایش سطح فساد موجب کاهش مستقیم درآمد کلی جمع آوری شده می‌شود. مطالعات موردی نیز نتایج مشابهی را تأیید کرده اند. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۴، روسیه ۴,۵ میلیارد دلار از عوارض گمرکی خود را در زمینه واردات از اروپا به خاطر فساد سازمان یافته از دست داده است. در سال ۲۰۰۸ نیز در مرزهای مولداوی و اوکراین در حدود ۱۱۳ میلیون دلار به خاطر فساد از بین رفت. چنین نتایجی می‌تواند اثر فلج کننده‌ای بر روی تعدادی از اقتصادها داشته باشد. بسیاری از کشورهای در حال توسعه اتکا قابل توجهی بر درآمد حاصل از گمرک دارند. بنابراین کاهش در میزان جمع آوری درآمدهای گمرکی

می تواند باعث به وجود آمدن یک دولت فاقد صندوق های سرمایه گذاری شود و در نتیجه به تأخیر افتادن توسعه اقتصادی است. علاوه بر این، کالاهای وارداتی که با استفاده از فرار مالیاتی وارد کشور می شوند باعث رقابت ناعادلانه میان تولیدکنندگان و واردکنندگان می شود. چنین نتیجه ای می تواند به افزایش نرخ بیکاری و در نتیجه افزایش بار مالی در چشم انداز توسعه کشور شود.

علاوه بر این، تکنیک های تأخیری که به هدف درخواست رشوه مورد استفاده مقامات گمرکی قرار می گیرد معمولاً تأثیر مستقیمی بر هزینه های کسب و کار دارد. تأخیرهای این چنینی ممکن است باعث زیان های اقتصادی به ویژه در شرایطی شود که زمان ترخیص کالا دارای اهمیت است؛ برای مثال در حمل و نقل مواد فاسدشدنی. علاوه بر این تأخیر ممکن است معامله گران را مجبور به متحمل شدن هزینه های اضافی از قبیل هزینه های ذخیره سازی کند که در قیمت کالا تأثیر خواهد گذاشت و در نتیجه قدرت رقابت پذیری آن ها را کمتر خواهد کرد. این موضوع نهایتاً شرکت های داخلی را از درگیر شدن در تجارت بین المللی منصرف می کند و یا ممکن است مانع سرمایه گذاری مستقیم خارجی شود. بیش از ۶۰ درصد از تولید جهانی امروز براساس سیستم تجاری (JIT) انجام می شود که نمی تواند هیچ گونه فرآیندهای اداری غیرقابل اعتماد و یا پیش بینی نشده ای را تحمل کند. از این رو، شرکت های چندملیتی پیشرو به سادگی کشورهایی با خدمات گمرکی ناکارآمد را به عنوان مکان های سرمایه گذاری نادیده می گیرند. به طور خلاصه، این نتایج، دارای تأثیر منفی بر رشد اقتصادی یک کشور در هر دو زمینه تجارت بین المللی و سرمایه گذاری مستقیم خارجی به عنوان ابزارهای مهم توسعه هستند.

فساد گمرکی می تواند رفاه مردم یک کشور را به خطر بیندازد. نقاط مرزی تحت نظارت مقامات گمرک می تواند یکی از نقاط اصلی ورود سلاح های غیرقانونی و مواد مخدر باشد. به عنوان مثال ۷۰ درصد از کل مواد مخدر کشف شده در آلمان در نقاط بازرسی گمرکی بوده است. با قاچاق اقلام ممنوعه مانند مواد مخدر، جرایم نیز افزایش می یابد و بهداشت عمومی جامعه نیز در معرض خطر قرار می گیرد. بدتر از آن، چنین اقداماتی

می تواند نگرانی را در مورد ایمنی تجارت بین الملل تشدید کند. اگر تروریست ها و یا قاچاقچیان بتوانند به سادگی با رشوه دادن به مقامات گمرکی آن ها را دور بزنند، دستگاه های موجود و اقداماتی نظیر قرنطینه بیهوده خواهند شد. چنین عواقب فاجعه باری اهمیت یافتن راه حلی برای مشکل فساد گمرکی را بیشتر می کند.

مبارزه با فساد گمرکی

مطابق آنچه کلیتگارد گفته است، فساد را می توان با اجرای استراتژی اصلاحی که متشکل از پنج مرحله مجزا اما مرتبط است حل کرد. مک لیندن McLinden این مراحل را در زمینه فساد گمرکی به شرح زیر بیان می کند:

- تغییر دستگاه های اداری به نحوی که موجب حذف ترکیب فسادآور قدرت انحصاری همراه با اختیارات گسترده مقامات گمرکی با پاسخ گویی محدود باشد.
- شایسته سالاری در مورد مقامات گمرکی برای فسادناپذیری و داشتن مهارت های شغلی خاص و مدارک آموزشی
- تغییر شیوه پاداش و مجازات در مورد کارمندان و خدمت گیرندگان
- افزایش احتمال کشف فساد و مجازات آن
- تغییر نگرش ها نسبت به فساد

اجرای عملی این مراحل شامل طیفی از اقدامات است. با این حال آنچه مورد توجه این نوشتار است این است که چگونه سیستم پنجره واحد را می توان برای رفع مشکل فساد مورد استفاده قرار داد. معرفی اتوماسیون به عنوان بخشی از فعالیت های لازم برای پیاده سازی تغییر دستگاه های اداری به حذف انحصار قدرت، اختیار گسترده مقامات و پاسخ گویی محدود منجر می شود.

نقش سیستم پنجره واحد در مبارزه با فساد گمرکی

تجارت الکترونیک، دولت الکترونیک و محیط پنجره واحد یکی از مباحثی است که در طی چند سال اخیر توجه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه

را به خود جلب کرده است. در این نوشتار مفاهیم و تعاریف دستگاه‌های پنجره واحد و کاربرد آن در روان‌سازی امور بازرگانی و تجاری به‌خصوص فرآیندهای گمرکی ارائه گردیده است.

سیستم پنجره واحد چیست؟

هدف پنجره واحد، آسان کردن جریان اطلاعات بین صنعت و دولت است. این محیط می‌تواند برحسب طراحی، برخی خدمات و تسهیلات را فراهم آورد. این خدمات و تسهیلات به‌عنوان مثال می‌تواند شامل تسلیم اظهارنامه‌های گمرکی و مجوزهای لازم از طریق یک نقطه، پردازش این درخواست‌ها به‌وسیله تک پنجره یا آژانس دولتی ذی‌ربط مسئول و احیاناً پاسخ‌گویی از طریق یک نقطه است. آنچه در این‌گونه محیط‌ها اهمیت دارد این است که کلیه اطلاعات فقط برای یک‌بار و تنها از طریق یک نقطه ورودی (پنجره واحد) به سیستم وارد و خروجی نیز تنها از طریق همان نقطه حاصل گردد.

مزایای دستگاه‌های پنجره واحد:

یک سیستم پنجره واحد می‌تواند منافع متعددی را به صنعت و دولت برساند. برخی از منافع آن برای دولت به شرح زیر است:

۱. به‌کارگیری مؤثر و دارای بازدهی بالای منابع
 ۲. درستی و صحت عایدات
 ۳. تطابق بهتر بازرگان با مقررات
 ۴. امکان استفاده از تکنیک‌های پیشرفته مدیریت مخاطرات برای کنترل و اعمال اهداف
 ۵. امنیت بسط یافته زنجیره تدارکات
- و برخی منافع آن برای صنعت به شرح زیر است:

۱. کاهش هزینه‌ها با کاستن زمان‌های تأخیر
۲. به‌کارگیری و تشریح قابل پیش‌بینی مقررات
۳. تسریع ترخیص کالا و شفافیت

در بسیاری از کشورها، شرکت‌های بازرگانی بین‌المللی ناگزیرند که حجم بزرگی از مدارک و اسناد و اطلاعات را برای ارائه به مقامات دولتی ارائه کنند که منطبق با مقررات الزامی واردات، صادرات و ترانزیت کالا باشد. ارائه این مدارک و اسناد از طریق آژانس‌ها و دفاتر اداری گوناگونی است که هر یک از آن‌ها خود دارای دستگاه‌های دستی یا مکانیزه‌ای برای فرم‌ها و پردازش اطلاعات می‌باشند. این نیازهای متعدد همراه با هزینه‌های انطباق با مقررات می‌تواند بار سنگینی بر دوش نه فقط شرکت‌های بازرگانی بلکه دولت‌ها باشد و مانعی در راه گسترش بازرگانی جهانی گردد. یک رویکرد برای حل این دشواری ایجاد محیط‌های تک پنجره‌ای است تا از طریق آن، و از هر جا، مدارک و اسناد و اطلاعات فقط یک‌بار ارائه گردد. این کار می‌تواند فراهم‌آوری و پردازش اطلاعات را توسعه دهد، جریان اطلاعات را بین مؤسسات و دولت‌ها روان کند و در گستره دواير و ادارت دولتی هماهنگی وسیع‌تری را در تشریک اطلاعات به وجود آورد تا دستاوردهای همه طرف‌های ذی‌ربط را معنا بخشد.

استفاده از چنین تسهیلاتی به افزایش راندمان و کنترل مؤثر کارها منجر می‌شود و می‌تواند هزینه‌های بازرگانی را برای شرکت‌ها و دولت‌ها کاهش دهد. از جنبه عملی، هدف محیط تک پنجره‌ای فراهم آوردن و آسان‌سازی جریان اطلاعات بین دولت و شرکت‌های بازرگانی و برآوردن منافع برای همه طرف‌های ذی‌ربط در هر دو سوی مرزها است. راهبری محیط‌های پنجره واحد از سوی یک موسسه مرکزی است تا همه آژانس‌های خصوصی و مقامات دولتی اطلاعات موردنیازشان را دریافت کنند یا در دسترس داشته باشند. به‌علاوه آژانس‌ها و مقامات باید بتوانند کنترل‌های خود را اعمال کنند. در برخی موارد محیط پنجره واحد می‌تواند دارای تسهیلاتی برای پرداخت و دریافت مالیات و عوارض و کارمزدها هم باشد.

مطالعه امکان‌سنجی محیط‌های پنجره واحد

نخستین مرحله اجرای سیستم پنجره واحد نیاز به بررسی امکان‌سنجی و تحلیل نیازها دارد تا چشم‌انداز آثار و زاینده‌گی‌های سیستم روشن گردد، ماهیت و میزان تقاضا برآورد گردد و نیازهای اطلاعاتی و داده‌ای تعیین شود، مباحث حقوقی ملحوظ گردد، گزینه‌های مختلف اجرائی (محتماً شامل تعیین مراحل اجرائی) مقایسه و ارزیابی شود، هزینه‌های اجرای سناریوهای مختلف، میزان نیاز به سایر منابع (انسانی و فنی و ...) منافع و مخاطرات محتمل، چهارچوب زمانی و استراتژی مدیریت مشخص گردد. مهم‌ترین پیش‌نیاز اجرای موفقیت‌آمیز پنجره واحد پیدایش عزم و اراده در دولت و مقامات ذی‌ربط دیگر و پشتیبانی جامعه بازرگانی و همچنین چارچوب اساسی حقوقی شامل قوانین و مقررات حفاظت از حریم خصوصی و امنیت در تبادلات اطلاعاتی است که هرآینه باید تدوین و تصویب و تشریح و تنفیذ گردد.

سیستم‌های پنجره واحد و به‌کار بردن استانداردهای بین‌المللی

در پیاده‌سازی سیستم پنجره واحد، دولت‌ها و بخش‌های بازرگانی قویاً تشویق و ترغیب می‌شوند تا استفاده از استانداردهای کنونی، یعنی ابزارها و استانداردهایی را که طی مهر و موم‌های اخیر از ارتباطات متقابل دولت‌ها و آژانس‌ها برآمده است در نظر گیرند. این ابزارها و استانداردها شامل UNECE, UNCTAD, WCO, IMO, ICAO, ICC می‌باشد. استفاده از استانداردها و ابزارهای موجود به سیستم‌های موردنیاز برای سیستم پنجره واحد کمک می‌کند تا به نحوی سازگار با کارها و دستاوردهای سایر کشورها طراحی و ساخته شود و به تسهیل ارتباطات آتی بین این سیستم‌ها کمک خواهد کرد.

توصیه‌های سازمان ملل متحد در شکل‌گیری محیط‌های پنجره واحد

مرکز تسهیل بازرگانی و تجارت الکترونیکی سازمان ملل متحد (UN/CEFACT) با آگاهی از این که پیاده‌سازی تک پنجره واحد برطبق توصیه‌های این سند می‌تواند تبادلات اطلاعاتی را بین دولت‌ها و جامعه بازرگانی هماهنگ و تسهیل کند و با توجه به منافع مستقیمی که برای دولت‌ها و بازرگانی به وجود خواهد آورد توصیه‌هایی به شرح زیر ارائه می‌کند:

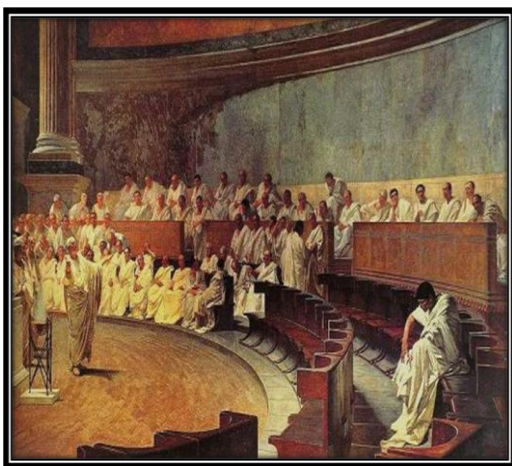
الف) سیستم پنجره واحد را در کشور خود پیاده‌سازی کنند که اجازه می‌دهد دست‌اندرکاران بازرگانی و حمل‌ونقل، اطلاعات و اسناد استاندارد شده‌ای را از طریق یک مدخل به سیستم وارد کنند تا همه الزامات و نیازهای مقررات و قوانین واردات، صادرات و ترانزیت رعایت گردد. اگر اطلاعات الکترونیکی باشد، آن گاه اقلام داده فقط یک‌بار به سیستم وارد خواهد شد. چنین مدخل واحدی برای ارسال، توزیع و دستیابی اطلاعات مربوط به دولت و آژانس‌های بازرگانی، هرگاه مقتضی و صحیح باشد می‌تواند برای سایر امور هماهنگی و کنترل دولتی به کار رود.

ب) برای پیاده‌سازی سیستم پنجره واحد در سطحی ملی، با همکاری و کوشش جمعی همه ترجمان‌های ذی‌ربط دولتی و جامعه بازرگانی اقدام شود.

ج) در پیاده‌سازی پنجره واحد در کشور خود، به خطوط راهنمای کلی پیوست این توصیه توجه کامل شود. UN/CEFACT از دولت‌ها دعوت می‌کند تا مدیرکل UNECE را در جریان تجربیات و فعالیت‌های کشورشان در این زمینه قرار دهند.

مفاهیم فساد سیاسی در

آتن و روم باستان



مؤلف: لیزا هیل^۱

انتشارات دانشگاه آدلاید^۲

^۱ . Lisa Hill

^۲ . University of Adelaide

بسیاری بر این باورند که فهم امروزی از فساد با آنچه در جهان کلاسیک از آن برداشت می‌شده - و البته هیچ تمایزی بین حوزه‌های عمومی و خصوصی وجود نداشت - نمی‌تواند یکی باشد. براتسیس Bratsis اصرار دارد که فساد سیاسی یک پدیده به‌طور انحصاری مدرن است که تنها پس از ظهور تفکیک حوزه خصوصی/عمومی و مفهوم منافع به‌وجود آمده است. بااین‌حال، شواهد قابل توجهی برخلاف این نظر وجود دارد. درواقع سوءاستفاده از مقام دولتی برای کسب منافع خصوصی یک مشکل عمده بوده و در نتیجه از دل مشغولی‌های عمده نویسندگان یونان و روم باستان بوده است.

آنتی‌های باستان به‌طور مداوم ناراحتی خود را در مورد هرگونه دخالت در زندگی عمومی بانگیزه‌های اقتصادی خصوصی نشان داده‌اند. برای مثال، افلاطون از مقامات دولتی رشوه‌گیر و پول‌پرست شکایت می‌کند. ارسطو در کتاب سیاست هشدار می‌دهد که یک مستبد به منافع عمومی بی‌علاقه است مگر در مواردی که در راستای منافع خصوصی او باشد. به عقیده ارسطو، مقامات یک وظیفه عمومی دارند و بیان می‌کند آن‌ها هنگامی که از مقام خود در راستای نفع شخصی استفاده می‌کنند منافع عمومی آسیب می‌بیند. درواقع در نظر او تنها شکل واقعی حکومت آن‌هایی هستند که حاکم به منافع عمومی توجه دارد؛ درحالی که کسانی که تنها به منافع خصوصی خود توجه دارند، منحرف هستند.

در یونان، فساد به‌عنوان یک جرم شناخته‌شده و به‌شدت مجازات می‌شده است، به‌خصوص هنگامی که در تضاد با منافع عمومی ملاحظه می‌شد. دموستن گزارش می‌دهد که براساس قانون اگر فردی از دیگری رشوه قبول می‌کرد و یا خود به دیگری رشوه می‌داد و یا شخصی را با قول و وعده فاسد می‌کرد به‌صورتی که به‌طور کلی به ضرر مردم و یا شهروند دیگری بود، باید همراه با کودکان خود از حق رأی محروم شده و اموالش ضبط شوند.

در روم رواقی، فیلسوف اپیکتتوس (۱۳۵ تا ۵۵ قبل از میلاد) در یک اثر ادبی، تصویری کمرنگ از فساد سازمان‌یافته و تثبیت‌شده نخبگان روم

ارائه می‌دهد. او می‌نویسد مردی با طلوع آفتاب بیدار می‌شود تا فردی از خانواده سزار را پیدا کند و او سلام و مراتب احترام وی را به سزار برساند یا هدیه‌اش را تقدیم کند. اپیکتتوس سپس به‌طور مستقیم با خواننده فرضی خود صحبت می‌کند و چند پرسش صریح را مطرح می‌کند: چگونه به این مسند رسیدی؟ بر دستان چه کسانی بوسه زدی؟ به چه کسانی هدیه دادی؟

سیسرون خطیب رومی بیان کرده است: مقامات دولتی مقید به نگهداری خوب مردم هستند و صرف نظر از منافع خود، آن‌ها باید هر عمل خود را مطابق با این هدف انجام بدهند. بهره‌برداری از دولت برای نفع شخصی نه تنها غیراخلاقی است بلکه جرم است. دموستن سخنور آتنی نیز با حساسیتی مشابه نسبت به تفکیک حوزه عمومی و خصوصی علیه به‌کارگیری سربازان مزدور سخنرانی می‌کند و آن‌ها را کسانی می‌داند که همه منافع حکومتی را درازای کسب منافع ناچیز معامله می‌کنند. نمونه بهتری را می‌توان در سخنرانی سیاستمدار و وکیل آتنی هیپریدس ملاحظه کرد که در جریان یک محاکمه از انواع فساد سیاسی که ممکن است تحت تعقیب قرار گیرد سخن می‌گوید. او به پرونده آریستوماخوس (رییس آکادمی) اشاره می‌کند که به‌خاطر استفاده از منابع عمومی برای منافع شخصی خویش محکوم و جریمه شد. اشاره هیپریدس به گناهی که با جریمه مناسب مجازات شده است، نشان از درک پیشرفته از فساد را دارد.

رشوه سیاسی کاتا

عاملی که ممکن است به سطح بالای تحمل فساد معمول در یونان کمک کرده باشد وجود چیزی تحت عنوان رشوه سیاسی بوده است. به‌رغم حساسیت‌های ظاهری ذکرشده، چنین چیزی در یونان موردپذیرش بوده است. البته برخی مخالف این عمل بوده اند. جک کارگیل (Cargill Jack) بیان می‌کند که اگرچه متفکران کلاسیک رشوه را ذاتاً فساد نمی‌دانسته‌اند؛ اگر برخلاف مصالح عمومی بود آن را عملی مجرمانه تلقی می‌کردند.

کلر تیلور (Claire Taylor) مسیر مشابهی را در پیش می‌گیرد: به نظر می‌رسد که مردم آتن چنین وضعیتی را از مدت‌ها پیش پذیرفته بودند که سیاستمداران به منافع شهر خیانت نخواهند کرد. رشوه‌خواری یک چیز بود و رشوه‌ای که به منافع شهر آسیب می‌رساند کاملاً چیزی دیگر. هنگامی که آخنس (Aischenes) دموستن را متهم می‌کند که سود بسیاری را از سیاست نصیب خود ساخته و هزینه‌های خود را با «طلای پارسی» می‌پرداخته است منظورش این بوده که او نیازهای خود را نه از درآمد شخصی خود، بلکه به بهای شکست آتنی‌ها برطرف کرده است. هیپریدس اشاره مشابهی دارد: اگر شما کسی را ببینید که پولی را برمی‌دارد به‌اندازه این که از چه جایی آن را برمی‌دارد مهم نیست. در این طرز تلقی اشخاص عادی که طلا برمی‌دارند به‌اندازه کسانی که مسئولیت‌های سیاسی و اجتماعی دارند مجرم نیستند.

نکته اصلی که در اینجا بایستی در نظر گرفته شود این است که برخی، رشوه‌خواری را اگر به‌طور مستقیم به منافع دولت صدمه وارد نکند به‌عنوان یک مشکل خیلی حاد به حساب نمی‌آورند. به نظر می‌رسد که کسانی وجود داشتند که در نگاهشان به فساد بیشتر نوعی نتیجه‌گرایی به‌جای وظیفه‌گرایی وجود داشته است. رشوه برای آن‌ها به‌خودی‌خود جرم نیست و تنها زمانی مشکل‌ساز می‌شود که به منافع عمومی صدمه بزند.

اما مشکل اینجا است که این ادعا که برخی از رشوه‌ها رشوه سیاسی بود و برخی دیگر نبودند بر تمایزی نامشخص استوار بود. از آنجا که همه فسادها، در نهایت، در خلاف جهت منافع دولت و شهروندان آن است، آیا فساد شامل تبانی با دشمن و به مخاطره انداختن بقای دولت محسوب می‌شد یا این که باز مبهم‌تر، یک مشکل سامانه‌ای که شامل ارتکاب مجموعه‌ای از اعمال کوچک که در درازمدت، منجر به یک ناکارآمدی خدمات مدنی، بی‌ثباتی سیاسی و مشکل اقتصادی بود؟ هر دو این‌ها می‌توانند نهایتاً فساد سیاسی به حساب آیند.

به نظر می‌رسد که برخی از نویسندگان این موضوع را درک کرده‌اند و بنابراین تمایل کمتری برای ملاحظه اشکال دیگر فساد مضر داشته‌اند. به

نظر سیسرون واقعیت آن بود که ثروتمندان می توانستند در سیستم قضایی مداخله کنند. آمیانوس (Ammianus) فهمید که اختلاس در ایالت ها موجب مهاجرت شده است و سیستم قضایی به نفع محرومان قضاوت نمی کند. لوکان (Lucan) درعین حال، هزینه های ظالمانه ناشی از رشوه در انتخابات رم را نابودکننده دولت می دانست چراکه منجر به سطح نامعقولی از بدهی و افزایش نرخ بهره و سرانجام جنگ داخلی شد.

با این وجود شواهدی وجود دارد که نشان می دهد رشوه سیاسی در یک رده خاص در نظر گرفته می شده است. صفت « شرم آور» کلمه ای بوده است که به عمل رشوه داده می شد و این صفت اغلب در رابطه با رشوه سیاسی به کار برده می شد. هنگامی که دموستن به آتنی ها توصیه می کند که شهر را پاک کنند، این رشوه سیاسی است که او آن را تنفرانگیز می داند. در واقع او جریمه کردن و دیگر اشکال مجازات ملایم را در این موارد قابل طرح نمی داند. به نظر او «آن ها کسانی هستند که خودشان را به فیلیپ مقدونی فروخته اند و باید آن ها را به مرگ محکوم کرد».

شواهد دیگری نیز وجود دارد که نشان می دهد رشوه سیاسی در یک رده مشخص حداقل از قرن چهارم پیش از میلاد قرار داشته است و هیپریدس در قوانین آتنی به آن اشاره کرده است. این قانون احتمالاً به دلیل نقش خاص آن در زندگی سیاسی و جلب افکار عمومی مورد توجه سخنوران بوده است. قانون مجازاتی را برای سخنران هایی که به منافع مردم خیانت می کردند در نظر گرفته بود که باید بدون تأخیر اجرا می شد.

از بحث فوق به نظر روشن می رسد که یونانیان و رومیان باستان یک فهم واضح و روشنی از فساد سیاسی به عنوان سوءاستفاده از مقام دولتی برای کسب منافع خصوصی داشته اند و با ناظران معاصر در نگرانی از رشوه خواری، اخاذی و اختلاس اشتراک داشته اند. اما این بدان معنا نیست که نگرش آن ها به موضوع یکپارچه و یا سازگار بود. ظرفیت های آن ها در تمایز درست و شناسایی اشکال فساد مانند یک بحث قرن بیست و یکمی از فساد سیاسی دارای مقدار زیادی از ابهام اخلاقی در تئوری و عمل بوده است.

زمینه‌ها و انواع فساد سیاسی در یونان و روم

هم رم و هم آتن دیوان‌سالاری‌های وسیعی داشتند که با فرصت‌های قابل توجهی برای سوءاستفاده همراه بود پس از آنکه آتن پایتخت شد، ارسطو جمعیت کارمندان آن را حدود ۲۰ هزار نفر تخمین زد. تقریباً همین مقدار در رم قرن چهارم میلادی وجود داشت.

عوامل بسیاری در فساد دخیل هستند. یکی از آن‌ها حقوقی و سیاسی بود. در حدود قرن چهارم پیش از میلاد در یونان مقامات قضایی در ازای خدمات خود پولی دریافت نمی‌کردند و بنابراین وسوسه افزایش درآمد شخصی بالا بوده است. به همین صورت به سیاستمداران نیز حقوقی پرداخت نمی‌شد. به برخی مانند اعضای مجلس قانون‌گذاری مبلغ اندکی پرداخت می‌شد تا هزینه سفرهای کاری خود را جبران کنند. از آنجایی که تقریباً دستمزدی وجود نداشت، سیاستمداران بایستی مستقلاً ثروتمند می‌بودند. آن‌ها هزینه‌های قابل توجهی داشتند که یکی از آن‌ها گردآوری اطلاعات بود تا همواره اطلاعات درست و به‌موقع را داشته باشند. یک سیاستمدار به پول برای تربیت زیردستان یا انجام امور کسب‌وکار و یا مزرعه خود در مدتی که برای دولت کار می‌کرده است نیاز داشته است. بنابراین جای تعجب نیست که برخی از آن‌ها هدایایی را برای تکمیل درآمد خود پذیرفته باشند.

به گفته برخی از نویسندگان رومی، رم در سال‌های اولیه نمونه‌ای از تمدن و درستکاری بوروکراتیک بوده است. پولیبیوس (۲۰۰ تا ۱۱۸ قبل از میلاد) برای مثال می‌نویسد که در کارتاژ هیچ فعالیت تولیدی مفیدی انجام نمی‌شود و به راحتی رشوه ردوبدل می‌شود، درحالی که در رم هیچ چیز شرم‌آورتر از دریافت رشوه یا کسب منافع شخصی از طریق روش‌های نامناسب نیست. به نظر می‌رسد این ارزیابی خوش‌بینانه بوده است. درواقع، در مقایسه با آتن، رشوه در انتخابات یک مشکل بسیار مهم برای جمهوری روم بود و شکایت از آن در ادبیات آن دوره منعکس شده است. به عنوان مثال، گزارش شده است که ژولیوس سزار پست پونتیفکس

ماکسیموس را از طریق رشوه به دست آورده است و درجایی دیگر کاتو می گوید رأی انتخابات شوهر دخترش را خریداری کرده است.

به نظر می رسد رشوه در انتخابات، مانند بسیاری از انواع دیگر فساد عادی شده بود تاحدی که شغلی غیررسمی در ارتباط با آن به وجود آمده بود و به کسی که مسئول توزیع رشوه بود دیویزرس می گفتند. با این وجود هنوز اخلاقی بودن اهمیت زیادی داشت و موضوع بسیاری از نوشته ها بود. برای مثال سیسرون بر اهمیت قانون برای جلوگیری از خریدوفروش رأی تأکید ویژه ای داشت و قانون تعدیل هزینه ها را به سنای روم ارائه داد که هدف آن تعدیل زندگی اشرافی نخبگان و محدود کردن هزینه های آن ها برای دادن هدایا بود.



حمایت

حقوق و ادبیات روم پر از آرمان های والا درمورد چگونگی حکومت نخبگان است، اما واقعیت آن است که سیاستمداران روم برای رسیدن به جاه طلبی های خود مجبور به استفاده از شبکه حمایتی، ثروتمندان، دولتمردان، افتخار نظامی و فصاحت و بلاغت بوده اند. بنابراین یک عامل مهم، توانایی انجام کاری برای طبقه حاکم بوده است. درواقع، عده ای کمی توانایی نادیده گرفتن شبکه حمایتی بوده اند.

جدا از این که امور چگونه انجام می شوند، سیسرون به ما می گوید که وظایف مقامات دولتی بسیار روشن است: آن کسانی که کاندید تصدی یک شغل می شوند باید قانون افلاطون را به یاد داشته باشند که فرد موظف به رعایت مصالح عمومی و دولت است و نباید به خاطر منافع یک حزب یا گروه به منافع بقیه خیانت کند که در غیر این صورت به عنوان یک عنصر خطرناک برای خدمات مدنی معرفی می شود. با این حال شواهدی که نشان دهنده یک نگرش یکپارچه به موضوع شبکه حمایت باشد، وجود ندارد و ابهامات زیادی در مورد اینکه آیا به وجود آوردن تعاملاتی برای گسترش شبکه حمایتی قابل قبول بوده است یا خیر وجود دارد.

در یونان نیز شرایط به همین گونه بود. گزنفون مورخ یونانی مکالمه‌ای را بین سقراط و گلاوکن نقل می کند که در آن سقراط به گلاوکن می گوید «هیچ جاه طلبی در جهان شریف تر از سیاست نیست» و بلافاصله اضافه می کند که «بهترین مزیت به دست آوردن یک منصب حکومتی، جدا از افتخار آن، توانایی بیشتر برای کمک به دوستان است».

اخاذی و اختلاس

گزارش‌های اخاذی در ادبیات کلاسیک بسیار معمول بوده است. در سال ۵۴ میلادی آمیلیوس اسکاروس (Aemilius Scaurus) فرماندار شهر ساردینا به اخاذی متهم و محکوم شد. در متن سخنرانی که قدمت آن به ۳۹۱ میلادی می رسد، لیبیانوس (Libianus) از امپراتور تئودوزیوس (Theodosius) درخواست می کند تا قوانینی را علیه افسرانی که از مردم مستعمره نشین اخاذی می کنند به اجرا درآورد. در انجیل لوقا جان باپتیست به مأموران مالیاتی رومی اندرز می دهد که بیشتر از آنچه برای آن‌ها تعیین شده است از مردم پول بگیرند و از حقوق خود راضی باشند و از به زور گرفتن پول از مردم با استفاده از خشونت و یا اتهامات نادرست خودداری کنند.

ارسطو اگرچه بر روی موضوع فساد به صورت گسترده تری تمرکز داشت اما اختلاس و رشوه خواری نیز یک دغدغه مهم برای او محسوب می شد و

تصریح کرده است که همه ایالت‌ها باید به گونه‌ای مدیریت شوند و به نحوی قانونمند شوند که قضاات نتوانند رشوه بگیرند. بنابراین او به‌منظور جلوگیری از حیف‌ومیل اموال عمومی یک سیستم مالی شفاف را توصیه می‌کند که در آن نقل و انتقال مالی و درآمدها در مجمع عمومی شهروندان مطرح شود و از حساب‌های مختلف نسخه برداری شود. سیسرون نیز از فساد میان قضاات یونانی شاکی بود و آن‌ها را مسئول تعداد زیادی از اختلاس‌های درون جامعه می‌دانست. او درجایی سناتور لیسانیا *Lysanias* را که بیش از حد از اموال جمهوری استفاده می‌کرد سرزنش کرده است و ادعا می‌کند که او هزینه‌های خود را جعل می‌کند و به‌عنوان مثال ادعا می‌کند که با نه برده به مأموریت رفته است درحالی‌که تنها یک برده با او بوده است.

اما حیف‌ومیل اموال عمومی مشکل روم نیز بود و وسعت امپراتوری و دوری از مرکز حکومت آن را تشدید می‌کرد. در حکمی که در مصر تحت حاکمیت روم در ماه دسامبر ۴۸ میلادی صادرشده است تلاش شده است تا از ارائه لیست هزینه‌های ساختگی در حسابداری‌ها و کارگزاران سفرهای داخل امپراتوری جلوگیری شود و مجازات چنین اقدامی چند برابر افزایش یافت.

رشوه

در آتن و رم رشوه به‌عنوان بدترین و رایج‌ترین شکل فساد در نظر گرفته شده است. آنچه قابل توجه است این است که در هر دو سیستم، راه‌حل‌ها نهادی و قانون محور و حقوقی بوده است. شواهدی که از سخنرانی‌های ایرادشده در دادگاه‌ها و همچنین نمایشنامه‌های که اجرا می‌شده است، نشان می‌دهد که رشوه‌خواری در آتن رایج بوده است. همان‌طور که کلر تیلور *Claire Taylor* می‌گوید: تمامی سطوح سیاسی آتن مشحون از فساد بوده است؛ از مهم‌ترین سخنوران تا کوچک‌ترین نهادهای انتخاباتی.



توسیدید Thucydides اشاره می کند که در میان اهالی شهر تراکیه Thracians به دست آوردن هر چیزی تقریباً غیرممکن بود مگر این که به یکی از سیاستمداران هدیه ای داده می شد. به سیاستمداران رشوه داده می شد تا هر کاری را انجام دهند و یا هیچ کاری انجام ندهند. حتی در مواردی به کاهنان معبد دلفی رشوه داده می شد تا تأیید کنند که به فردی در رابطه با موضوعی خاص در معبد، سروش غیبی رسیده است. رشوه می توانست تعیین کننده جنگ و صلح، حرکت ارتش ها، ویرانی شهرها و به خاطر فساد سفرا حتی تعیین کننده سرنوشت ملت ها باشد. اگرچه به نظر می رسد رشوه خواری با تمام جنبه های زندگی یونانی عجین شده بود، اما تقریباً غیرممکن است که ابعاد فساد سیاسی را تعیین کرد، چراکه نمی توان فساد واقعی را از اتهاماتی که توسط مخالفان سیاسی برای اهداف استراتژیک خود به دیگر رقبا وارد می کردند تفکیک کرد. اما اگر به منابع ادبی اعتماد کنیم، تنها چند سیاستمدار آتنی از رشوه خواری به دور بوده اند.

روم هرچقدر غنی تر و گسترده تر می شد، مشکل رشوه نیز بزرگ تر می شد. در اواخر دوران جمهوری نهادینه شد و به مبالغ زیادی رسید. حتی انجمن های سازمان یافته ای - که بسیاری از آن ها براساس قبایل بودند -

برای اخاذی، تهدید و ارباب به وجود آمدند. نتایج بلندمدت سیاسی رشوه خواری در دهه پنجاه و شصت قبل از میلاد بسیار قابل توجه شده بود به صورتی که استقراض عظیم مورد نیاز برای دادن رشوه باعث به وجود آمدن بی ثباتی مالی و بی ثباتی سیاسی در میان اشراف شده بود و یکی از نتایج آن از دست دادن ایمان به قانون اساسی بود و آن طور که گفته می شود یکی از دلایل اصلی جنگ داخلی در روم بین سناتورها و سرداران نظامی روم، سزار، کراسوس و پومپه بود.

رشوه یا هدیه؟

باید به خاطر داشت که جوامع رومی و یونانی، بیشتر از یک تعریف از فساد داشتند. جان تی نونان John T. Noonan حداقل چهار ادراک از فساد را در این جوامع برمی شمارد: تعریفی که ناشی از اخلاق متعالی بود. تعریفی که در قانون نوشته شده بود. تعریفی از قانون اجرایی بود و تعریفی که ناشی از عرف بود. نیاز است تا روشن شود که چه استانداردی برای برخورد با هر نوع خاص از رشوه باید به کار گرفته شود. در رم و آتن تشخیص این ها از یکدیگر واقعاً سخت بود و شواهد نشان می دهد که هر چهار تعریف هم زمان مورد استفاده قرار می گرفته است. در یونان اشاره شده که در اکثر موارد و شرایط، افکار عمومی بخشنده تر از قوانین رسمی، مجازات سخت، سخنرانی های خطیبان و فیلسوفان بوده است. همان طور که تیلور اشاره می کند بهره بردن از مقام های سیاسی تاحدی قابل قبول بوده است؛ اگرچه کاملاً مورد تأیید قرار نمی گرفت.

همان طور که هیپریدس Hypereides در اثر خود به نام محاکمه دموستن اشاره می کند، اگرچه دادگاه به اختیار خود، این حق ویژه را داشت که دامنه و محدوده بهره برداری از یک پست رسمی را مشخص کند، ولی این بدان معنا نبود که قانون به آن ها اجازه چنین کاری را داده باشد، بلکه این ملایمت و سخاوت شما بود که اجازه چنین کاری را می داد. به عبارتی قانون یک چیز را می گفت و سنت و عرف چیز دیگری را؛ اما قانون به طور کلی راه استفاده از سنت را باز گذاشته بود.

به نظر می آید که این رفتار اجتماعی می توانسته گاهی معنای رشوه و گاهی هم هدیه را بدهد، این به این معنی است که رشوه خواری گاهی به عنوان تبادل هدیه یک عمل اجتماعی نهاده شده برای به وجود آوردن تعهدات متقابل، همبستگی و وابستگی اجتماعی در نظر گرفته می شده است. هدایا در آتن بخشی از بافت اجتماعی محسوب می شد؛ یک حلقه اساسی از زنجیره رفتار متمدنانه.

در هر صورت، به نظر می رسد که این وضعیت در مورد هدیه و رشوه در دوره کلاسیک بسیار مبهم است. از یک طرف میزان قابل توجهی از متون تاریخی، فلسفی، اخلاقی و حقوقی را می بینیم که درباره رشوه صحبت کرده اند، ولی هم زمان می بینیم که هدیه دادن ادامه داشته است و نقش مهمی را در روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایفا می کرده است. مشکل این است که سنت و عرف اغلب در تضاد با قانون بوده است و معمولاً توجهی برای نقض آن بوده است.

رم ممکن است یکی از پیشرفته ترین تمدن های طول تاریخ و یکی از پیشگامان حکومت و دیوانسالاری مدرن بوده باشد؛ اما نمی توان ادعا کرد که توانسته باشد نوع واحدی از اخلاق مدیریت عمومی را که در دموکراسی های پیشرفته با آن آشنا هستیم و بر صداقت، شفافیت و یک مرز مشخص بین منافع عمومی و خصوصی استوار است را ارائه داده باشد. حتی در تلاش های خود برای نزدیک شدن به چنین اخلاقی، امکان برقراری آن را در سراسر یک امپراتوری وسیع و در مواجهه با موانع جامعه شناختی گوناگون نداشته است.

نتیجه گیری

چنان که ملاحظه شد، نمی توان گفت که نه یونانیان و نه رومیان باستان درک درستی از منافع عمومی و خصوصی نداشتند. برخی از آن ها درک درستی از آن داشتند. نمی توان گفت که اغلب آن ها از وظایف قانونی خود و از دستورات اخلاقی بی اطلاع بودند. فقط این افکار عمومی و عرف بود که معمولاً از آن سوءاستفاده می شد. به عبارت دیگر به نظر می رسد که آن ها

اغلب می‌دانستند که چه چیزی باید انجام شود؛ اما خیلی ساده یا نمی‌خواستند و یا نمی‌توانستند آن را انجام بدهند. از این رو، آنچه برخی به عنوان فقدان یک مفهوم فساد بیان می‌کنند، شاید اختلاف بین یک اصل کلی و قانون از یک طرف و عرف، فرصت‌طلبی و ضرورت از طرف دیگر باشد.

آیا مبارزه با فساد را می توان آموزش داد؟

مصاحبه با النا هلمر مدیر مطالعات مبارزه با فساد
(MACS) در آکادمی بین المللی مبارزه با فساد
(IACA)



النا هلمر، مدیر مطالعات ضدفساد در آکادمی بین‌المللی مبارزه با فساد استاد حقوق و یک وکیل باتجربه با سابقه فعالیت در کشورهای قزاقستان، روسیه و ایالات متحده است. او همچنین یک کارشناس و نویسنده آثاری در زمینه‌های مبارزه با فساد و تجارت بین‌المللی و حل و فصل دعاوی بین‌المللی است. خانم هلمر ریاست مشترک بخش کانون وکلای آمریکای در کمیته مبارزه با فساد بین‌المللی را به مدت سه سال عهده‌دار بوده است. وی فارغ‌التحصیل دانشکده حقوق دانشگاه ییل است.

- خانم هلمر، شما مدیر مطالعات ضدفساد آکادمی بین‌المللی مبارزه با فساد هستید. برای کسانی که ممکن است با این آکادمی آشنا نباشند، بیشتر در مورد آن بگویید. چرا و کی شروع شد و هدف آکادمی چیست؟

- آکادمی بین‌المللی مبارزه با فساد یک سازمان بین‌المللی است که در سال ۲۰۱۱ برای کمک به رفع کاستی‌های موجود در زمینه‌های علمی و عملی در زمینه مبارزه با فساد و توانمندسازی کارشناسان به وجود آمد. این آکادمی یک سازمان بین‌المللی با یک هیأت مؤسسان است که بیش از ۵ میلیارد نفر از سراسر جهان را نمایندگی می‌کنند و همچنین یک نهاد آموزشی برای استفاده از تجارب ضد فساد و تعامل کارشناسان است.

- تکامل آن در طول این سال‌ها به چه صورت بوده است؟

- خیلی سریع. این آکادمی تنها پنج سال است که به وجود آمده است، اما در حال حاضر دارای ۶۷ عضو و همچنین بیش از ۸۰۰ فارغ‌التحصیل از ۱۴۰ کشور جهان است. علاوه بر این برنامه مطالعات ضدفساد که در سال ۲۰۱۲ آغاز شده، برنامه‌های ثبت‌نام آزاد متعددی را پیشنهاد و سفارشی‌سازی کرده است. ما در نظر داریم تا سال ۲۰۱۷ در زمینه اقدام جمعی در خصوص مبارزه با فساد یک دوره کارشناسی ارشد راه‌اندازی کنیم و همچنین در حال کار بر روی توسعه راه‌اندازی یک برنامه دکتری نیز هستیم. تقاضای زیادی برای آموزش‌های ضدفساد و تطبیقی

وجود دارد و این آکادمی در این زمینه برند تثبیت شده‌ای را ارائه داده است.

-درمورد دوره ارشد مطالعات ضدفساد برایمان بگویید. خانم هلمر من واقعاً از آخرین کلاس تجارت و فساد لذت بردم و مشتاق پیوستن دوباره شما به این کلاس هستم. بنابراین اگر اشکالی ندارد برخی مطالب آن را با خوانندگان به اشتراک بگذارید. من مطمئن هستم که آن‌ها مایل به شنیدن مطالب بیشتری درباره این برنامه هستند.

-برنامه مدرک کارشناسی ارشد مطالعات ضدفساد یک دوره دوساله منحصربه‌فرد برای کار حرفه‌ای است که ترکیبی از کلاس درس و آموزش از راه دور است. دارای هفت پودمان آموزشی است که فساد را از زوایای مختلفی مانند علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، حقوق، تجارت و غیره موردبررسی قرار می‌دهد. دانشجویان ما به معنای واقعی کلمه از سراسر جهان هستند. متوسط سن ۳۸ سال است و طیف گسترده‌ای از افراد حرفه‌ای و نیمه حرفه‌ای از تمام بخش‌های مختلفی چون دولت، قضائی، کسب و کار، سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی، روزنامه‌نگاری و غیره را تشکیل می‌دهند. این تنوع موجب به‌وجود آمدن تعاملات جذابی در داخل و خارج از کلاس درس شده است.

-بنابراین به نظر شما مبارزه با فساد را می‌توان آموزش داد؟ چه چیزی به شما بیشترین امید را برای موفقیت می‌دهد؟ و بزرگ‌ترین چالش پیش‌روی شما چیست؟

- این یک سؤال مهم است. البته، شما می‌توانید مبارزه با فساد را آموزش دهید و ما بهترین‌ها را در اینجا گردهم آورده‌ایم و کسانی چون مایکل جانستون، یوهان گراف لامبسدروف، مشتاق خان، دراگو کاس تنها چند نمونه از استادان دائمی ما هستند. یادگیری از کارشناسانی که با موفقیت تغییرات عمده‌ای را به‌وجود آورده‌اند و می‌توانند چگونگی مبارزه مؤثر با فساد را نشان دهند، فوق‌العاده پربار است. من بسیاری از

دانش‌آموختگان این آکادمی را دیده‌ام که در بازگشت به کشور و سازمان خودشان اقدامات مهمی را برای مردم خود در مبارزه با فساد انجام داده‌اند.

اما دانش و تجربه عملی به‌خودی‌خود یک هدف نیست. هدف ما ایجاد یک جامعه فعال در مبارزه با فساد است، محیطی که در آن شما می‌توانید گوشی تلفن را بردارید و با یک هم‌کلاسی و یا یک مدرس دانشگاه در طرف دیگر از جهان صحبت کرده و کمک و پشتیبانی بگیرید؛ چراکه کار مبارزه با فساد اغلب خطرناک و هم طاقت‌فرسا است.

برای من شخصاً، بزرگ‌ترین میزان موفقیت، موفقیت دانشجویان ما و خود برنامه است. یک دانشجوی مطالعات ضدفساد فعلی که از یکی از بهترین دانشگاه‌های جهان فارغ‌التحصیل شده است، به من در ماه گذشته گفت که آموزش‌های آکادمی بهترین آموزش‌های است که تا به حال داشته‌ام، یکی دیگر گفت که او آرزو می‌کرد که کاش ده سال پیش در آکادمی ثبت نام کرده بود برای جلوگیری از یادگیری با آزمون و خطا. این یک موفقیت است. همان‌طور که بزرگ‌ترین چالش برای دانشجویان و فارغ‌التحصیلان MACS اجرای آموخته‌هایشان در طول برنامه در محیط‌های خودشان است که اغلب بسیار دشوار است.

پرونده ویژه:

عملیات شکار روباه

نگاهی به گسترده‌ترین مبارزه‌ی با فساد در چین



«قدرت فساد می‌آورد و قدرت مطلق، فساد مطلق». این حکم مشهور «لرد آکتون» فیلسوف انگلیسی قرن نوزدهم در هر برهه از تاریخ می‌تواند مثالی داشته باشد. مثال قرن بیست و یکمی این جمله معروف نیز جمهوری خلق چین است. ایستادن بر قله رشد اقتصادی جهان تنها نتیجه آزادسازی اقتصاد چین در سال ۱۹۷۸ نبود. باز شدن دروازه‌های اقتصاد روی دیگری هم داشت و آن بافته شدن فرشی از فساد اقتصادی در این کشور است که شکافتن رج به رج آن و بافت از نو می‌تواند عواقبی برای آینده‌اش داشته باشد. باین حال آموختن شیوه‌های چنین مبارزه‌ای خالی از لطف نیست و می‌تواند آموزنده باشد.

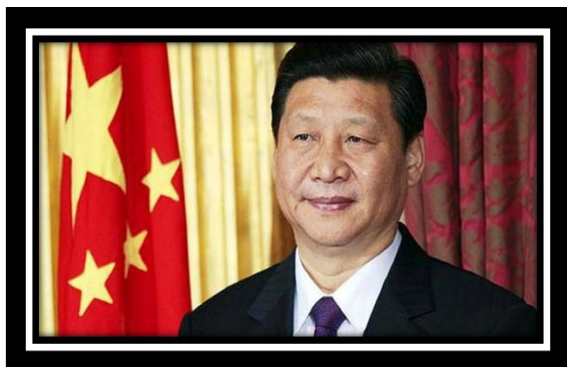
دمیدن شیپور جنگ علیه «مگس‌ها و ببرها»

هجدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین در نوامبر ۲۰۱۲ پایان شوکه‌کننده‌ای داشت «شی جین پینگ»، رئیس‌جمهور خلق چین در سخنرانی‌اش هشدار داد که فساد در کشورش به نقطه جوش رسیده و اگر به آن توجهی نشود اولین چیزی که از بین می‌رود اعتماد مردم به حزب است و دست‌آخر این خود حزب است که از دست می‌رود. «شی» قبل از آن که رئیس‌جمهور شود، بارها اعلام کرده بود که قصد دارد علیه «ببرها و مگس‌ها»یی که تیشه به ریشه اقتصاد چین زده‌اند و از آبی که خودشان گل‌آلود کرده‌اند ماهی می‌گیرند وارد عمل شود.

پیش از او هم افرادی بودند که از این قبیل وعده‌ها بدهند اما فرق اساسی «شی» با دیگر افراد این بود که رسماً اعلام کرد «کمپین مبارزه با فساد شروع به کار کرده است» از آن‌پس بود که گردباد مبارزه علیه تمامی افراد حزب در چین، از دانه‌درشت‌های آن که «ببرها» باشند تا «مگس‌ها» که افراد رده پایین حزب باشند، وزیدن گرفت.

تندباد اولیه انتقادات علیه این شیوه مبارزه «شی» این بود که او با این شمشیر دو لبه قصد کنار زدن مخالفان خود در حزب را دارد. حتی اگر این نقد هم تا حدودی درست باشد باید گفت که مخالفان او در حزب فاسدترین آن‌ها هستند و «شی جین پینگ» همواره با این توجیه که

«مشروعیت حزب در خطر است» دهان منتقدان را بسته و برنامه‌هایش را به پیش رانده است. این کمپین به طور مستقیم تحت نظارت «کمسیون



مرکزی بازرسی انضباطی» حزب کار می‌کند و در مواقع لزوم از کمک‌های سازمان امنیت ملی چین نیز بهره‌مند می‌شود. رییس این کمپین «وَنگ گِی‌شان» سیاست‌مداری است که در چین بیش‌تر به خاطر فعالیت‌های مالی و اقتصادی‌اش شناخته می‌شود. او هم‌زمان یکی از هفت اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست نیز هست. از آنجایی که این کمپین یک سازمان وابسته به حزب است صلاحیت قضایی ندارد به همین خاطر روند کار این‌گونه قرار گرفته که پس از پایان تحقیقات مدارک به ارگان‌های قضایی مربوط فرستاده شود تا از آن طریق افراد تحت تعقیب قرار بگیرند.

نخستین قربانی

اولین هدف آتش‌بار این کمپین اخراج ناگهانی «لی چون چَنگ»، معاون حزب در «سیچوان» چین بود که دسامبر ۲۰۱۲ یعنی تنها چند هفته بعد از اعلام آغاز به کار کمپین انجام شد. پس از آن دسته‌های تحقیقاتی به استان‌های جیانگشی، مغولستان داخلی، چَنگ کینگ و هوئی اعزام شدند. در این مرحله تنها تعداد انگشت‌شماری از مقامات محلی از دفاتر کاری خود اخراج شدند. ناگهان خبر کشف فساد گسترده استان «جیانگشی» بود که شوک اولیه اما مورد انتظار را وارد کرد. در اثر این کشف ۱۰ نفر از مقامات محلی و معاون فرماندار اخراج شدند و پرونده‌هایشان برای بررسی بیش‌تر به دادگاه ارجاع شد.



محاصره «ژو یونگ کانگ» و زلزله بزرگ سیاسی

هرقدر این برکه گل آلود هم زده می‌شد، فساد بیش‌تری که ریشه‌هایش به اصلاحات اقتصادی ۱۹۷۸ می‌رسید، بیرون می‌زد. به همین خاطر در نیمه دوم سال ۲۰۱۳ یک کمیته مجاز برای بررسی عملکرد «ژو یونگ کانگ»، عضو سابق کمیته مرکزی و دفتر سیاسی حزب کمونیست و رئیس سازمان امنیت داخلی این کشور تشکیل شد. شیوه نزدیک شدن به ژو با کنار زدن و اخراج کردن و دستگیری افرادی بود که به هر ترتیبی با او در ارتباط بودند. مقامات ارشد سیچوان، «جیانگ جمین» مدیر اجرایی سابق شرکت نفت چین و معاون سابق وزیر امنیت ملی که با ژو یونگ کانگ ارتباط نزدیکی داشتند همگی اخراج شدند. سقوط «جیانگ جمین» ضربه سختی به این عضو سابق زد؛ چراکه او دوستی نزدیکی با ژو داشت و همین ثابت می‌کرد تا دستگیری ژو یونگ کانگ راه زیادی باقی نمانده است. همان زمان سایت «جیای شین» که سایتی غیررسمی برای روزنامه‌نگاری تحقیقی در چین است بدون آن‌که تیغ سانسور دامن‌گیر نوشته‌هایش شود یک ویدئو به همراه مقاله‌ای با عنوان «سه دست‌کش سفید ژو یونگ کانگ، منتشر کرد.

این پرونده با شرح ریز اتهامات ژو از دست داشتن پسران او در فساد اقتصادی پرده برداشت. او پس از بازنشستگی و اخراج از حزب عاقبت در ژوئن ۲۰۱۵ به دادگاه محلی چین وارد شد و در مقابل جرایم هم چون «رشوه‌خواری، سوءاستفاده از قدرت و افشای اسرار دولتی» حکم حبس ابد گرفت. ژو یونگ کانگ در دادگاه خود که نه در پایتخت بلکه در شهر

«تیانجین» به صورت غیرعلنی برگزار شده بود در فرصت دفاع گفت: «من اتهامات مطرح شده از طرف دادستان را که در اساس درست است قبول



دارم، به گناهان خود اعتراف و اظهار ندامت می‌کنم».

مطابق با کیفرخواست، عموم اتهامات او مربوط به زمانی است که به عنوان معاون «جیانگ جمین» در شرکت نفت چین مشغول به کار بود.

نوامبر سال ۲۰۱۳ دور جدید بررسی‌های فساد اقتصادی در دیگری شهرهای چین هم چون شانشی، جیلین، یوننان، آنهویی، هونان و کوانگ دونگ، و همچنین در خبرگزاری «شینخوا»، وزارت بازرگانی، و شرکت‌های دولتی ناظر بر ساخت‌وساز سد «سه دره» آغاز شد. در این مرحله از تحقیقات درام اصلی سیاسی در شهر «شیانشی» اتفاق افتاد. پس از افشای نتیجه تحقیقات در ابتدای سال ۲۰۱۴ چهار نفر از اعضای رده‌بالای شورای حکام حزب کمونیست به سرعت اخراج شدند. رسانه‌های چینی از این واقعه با عنوان «زلزله بزرگ سیاسی» یادکردند.

سقوط چهار بیر گرسنه

در آن زمان که سکوت کمیته مبارزه با فساد درباره فرجام کار ژو یونگ کانگ افکار عمومی را به سمت شایعه کشانده بود ناگهان خبر اخراج ژنرال «شو ژایهائو» عضو سابق دفتر سیاسی حزب کمونیست و نایب‌رییس کمیسیون مرکزی ارتش در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ منتشر شد.

بزرگ‌ترین جرم او این بود که برای تبلیغات به برخی افراد رشوه پرداخت کرده است. یکی از زیردستان او در ارتش درباره نحوه کار او به محققان گفته بود: «روش کار ژنرال برای انجام کارها و انتخاب افراد این‌گونه است که ببیند اول طرف حسابش چه قدر پول دارد. در قدم دوم او برای نزدیکان و قوم‌و خویش‌هایش امتیاز ویژه قائل می‌شود. در مرحله سوم هم باید به احساسات تکیه کند تا از کار کردن با آن شخص حس



خوبی داشته باشد. این قسمت بدترین قسمت کاری با ژنرال بود.»

«شو ژایهائو» بالاترین رتبه نظامی بود که تا آن زمان پایش در پرونده فساد اقتصادی گیر کرده و از حزب اخراج شده بود. براساس گزارش‌های ارسال شده بعدی، ژنرال ۷۱ ساله ارتش که برای درمان سرطان مثانه‌اش به بیمارستان ارتش در پکن رفته بود مجبور شد در مارس ۲۰۱۴ از بستر بیماری بلند شود و برای تحقیقات بیش‌تر روانه زندان شود. در دسامبر ۲۰۱۴ نوبت «لینگ جیوها» مشاور ارشد «هو جیتائو»، ششمین

رئیس‌جمهور خلق چین بود که در تور ماهیگیری هیأت تحقیق فساد اقتصادی گیر کند. دستگیری او نیز همانند ژو یونگ کانگ با دستگیری اطرافیان و محاصره تسهیل شد. پس از دستگیری مشخص شد که او پدرخوانده شبکه مخفی دسته‌ای از مقامات بود که در استان شانسی فعالیت می‌کردند.

«سو رانگ» چهارمین بیر بزرگی بود که کمپین مبارزه با فساد اقتصادی شکارش کرد. اخراج رسمی او از حزب در سال ۲۰۱۵ اتفاق افتاد. زندگی طولانی سیاسی سو از او یک سیاستمدار دنیادیده ساخته بود که توانسته به‌خوبی رهبری حزب را در سه استان چین به‌عهده بگیرد، اما فعالیت‌های غیرقانونی انجام‌شده زیر نظر سو رانگ در میانه سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ در استان جیانگشی دلیل اصلی سقوط او از مرتبه بزرگ و بلند سیاسی‌اش بود.

آن مرد با داس آمد

سال‌ها بعد مورخان تاریخ چین زمانی که به شروع ریاست جمهوری «شی جین پینگ» برسند احتمالاً از او به‌عنوان «شکافنده روندها» در چین یاد خواهند کرد. او زمانی که به ریاست جمهوری رسید به‌جای آن‌که از یک روند طبیعی در رشد سرسام‌آور در اقتصاد چین که فساد هم بخشی از آن بود استفاده کند، جنگی را در صحنه اقتصادی کشورش به راه انداخت که برخی نتایج احتمالی آن را برای چین با نتایج جنگ‌های صلیبی مقایسه می‌کنند. در واقع دولت‌های پیش از او نیز سودای این مبارزه را داشتند اما شمشیری که «شی جین پینگ» برای این مبارزه برداشت شمشیر برنده‌تری بود که نتیجه درهم‌وبرهمی برای اقتصاد چین به ارمغان آورد.

برخی از ناظران خارج از مرزهای چین معتقدند که این کار می‌تواند مانع فعالیت‌های غیرقانونی شود و اقتصاد پرونق آن را رنگ و لعاب بهتری ببخشد. گروه دیگر هم که این حرکت را با دوربین‌های سیاسی رصد می‌کنند معتقدند که برخی از این برخوردهای خشن برای حفظ مشروعیت، حزب کمونیست لازم است. این نگرانی‌ها از نقشی که فساد در

ایجاد رشد اقتصادی داشت سرچشمه می‌گیرد. «بن هیلمن» استاد دانشگاه در کتاب «حمایت و قدرت» (Patronage and Power) به خوبی نشان داده که فساد در رشد اقتصادی چین چه نقشی داشته است.

او می‌نویسد که فساد اداری به واسطه شبکه حمایتی درون کشور چگونه می‌تواند روند امور اقتصادی را تسهیل کند. هیلمن در کتابش می‌گوید: «شبکه‌های حمایتی چرخ‌های بوروکراسی ناکارآمد را روغن کاری می‌کند در عین این که باعث می‌شود غنائم زیادی نصیب افرادی شود که در این شبکه خصوصی در حال فعالیت هستند. اما این تنها کارایی شبکه‌های حمایتی نیست بلکه این شبکه کارآمد باعث می‌شود تا افراد خطاکار زیر سایه این شبکه از تیررس نگاه نظارتی سازمان انضباطی حزب کمونیست نیز در امان باقی بمانند. درواقع نگاه هیلمن به شبکه‌های حمایتی به درک بهتر هم‌زیستی فساد و توسعه اقتصادی کمک می‌کند.

همچنین به گفته «مایکل جانستون»، استاد علوم سیاسی در دانشگاه کلگیته همیلتون در نیویورک، سیاست‌های مالیاتی متناقض و یک سیستم بانکداری سیاسی با سازمان‌دهی ضعیف فرصت کافی را برای رشوه‌خواری، پارتی‌بازی و دست‌آخر دزدی در روز روشن فراهم کرده است.

مثبت یا منفی؛ درست یا غلط؟

اثرات مثبت و منفی مبارزه با فساد اقتصادی از آن موضوعاتی است که قابلیت موضوع یک بحث داغ شدن را دارد. فساد، بیش‌تر برای افرادی درآمد دارد که ارتباطاتشان قوی است و از این موضوع بی‌هیچ رودربایستی استفاده می‌کنند. در نتیجه در این سیستم جایی برای انسان‌های کارآمدی که مجرای ورودی ارتباطی ندارند باقی نمی‌ماند. جای تعجب نیست که طرف داران فساد اقتصادی به جای آن که دنبال فعالیت‌های تولیدی باشند به دنبال یارانه بی‌صاحب و منافع انحصاری هستند. در کنار این‌ها باید گفت که شیوع رشوه در چین موجب شده تا منابع در پروژه‌های غلط و بی‌فایده استفاده شوند و از بین برود. باوجود آن که این جریان پولی همواره در خفا جابه‌جا می‌شود، اما همواره یک خط سیر همیشگی را طی می‌کند.

این خط سیر از درآمد حاصل از معاملات زیرزمینی و غیرقانونی شروع می‌شود و دست‌آخر به حساب‌های بانکی در خارج از چین پایان می‌یابد.

اما این قاعده‌ای در چین و نیز در دیگر نقاط جهان است. در شرایطی که بوروکرات‌ها تنها بازیکنان اصلی عرصه اقتصادی باشند منافع قوی ایجاد می‌شود و کسی درون زمین توپ را برای مدیران و کارآفرینان پاس نمی‌دهد. نتیجه این می‌شود که انسان‌های متخصص هم تنها باید از مجراهای غیرقانونی نیت‌های خیرشان را عملی کنند. رانت‌خواری یکی از آن مفاسدی است که هزینه زیادی بر کمر رشد اقتصادی وارد می‌کند چراکه اساساً از نوآوری در زمینه اقتصادی جلوگیری می‌کند. از آنجایی هم که رانت‌خوارها در اغلب زمینه‌ها مستقل و خودکفا هستند چندان تمایلی به وارد شدن به امور تولیدی در مرزهای داخلی کشورشان ندارند.

سال ۲۰۰۷ مطالعه‌ای جامع ثابت کرد که اثرات مخرب فساد اقتصادی از مزایای آن خیلی بیش‌تر است. در این مطالعه آمده است که میزان پولی که از مجرای فساد به‌سرقت رفته از سال ۱۹۸۰ روندی صعودی قابل‌توجهی داشته و درحال حاضر غلظت آن در بخش دولتی بسیار بیش‌تر از سایر نقاط است و این دولت است که به‌شدت با آن دست‌به‌گریبان است. این گرفتاری در اکثر زمینه‌های امور دولتی ازجمله پروژه‌های زیربنایی، املاک و مستغلات، خدمات دولتی و خدمات مالی قابل‌مشاهده است. فقدان یک فرآیند سیاست‌رقابتی تنها نتیجه‌اش می‌شود همانی که امروز شاهد آن هستیم؛ یعنی افزایش تقلب، سرقت و رشوه‌خواری، بر اساس برآورد این مطالعه ضرر این فساد می‌تواند تا سالانه ۸۶ میلیارد دلار باشد.

عوارض جانبی دیگر این فساد می‌تواند این باشد که منافع کسب‌وکار خارجی‌ها را به خطر بیندازد و سرمایه‌گذاران خارجی را فراری دهد. اگر کسی خارج از چین قصد ورود به بازار را داشته باشد باید هم‌زمان با وضع ریسکی و خطرناک حقوق بشر و محیط‌زیست دست‌به‌گریبان شود و با رقبایی کارش را شروع کند که می‌توانند به‌راحتی قوانین کسب‌وکار را به نفع خودشان تغییر دهند.

از کنار همه این‌ها که بگذریم باید با یک دید بلندمدت به مسأله فساد نگاه کرد و آن را در نظر گرفت. این موضوع پس از سال‌ها می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیری برای شرایط داخلی چین داشته باشد. ازجمله این عواقب می‌توان به گسترش نابرابری بین اهالی شهر و حومه و همچنین ظهور یک طبقه از «اشراف سوسیالیست» اشاره کرد که دست‌آخر تنها نتیجه‌اش می‌تواند همانند هیزم، آتش خشم عمومی را بیش‌تر کند.

شکار روباه

تا پیش‌ازاین که روند کمپین مبارزه با فساد اقتصادی به چنین مرحله‌ای برسد بدبینی‌ها نسبت به آن زیاد بود. چنین کمپینی در چین نوین همواره یک سمبل در فرهنگ سیاسی بود تا هر زمامداری در ابتدای ورودش به عرصه بر طبل آن بکوبد و پس از مدتی قضیه را فراموش کند. از طرف دیگر در فرهنگ سیاسی چین این فساد بیش‌تر متوجه مبارزات



امپریالیستی بود و هرگز چنین شیوه‌ای را در تبلیغات پیش نمی‌گرفت.

در سال ۲۰۱۴ شاخص فساد چین در جهان ۲۰ پله کمتر شد و چین از هشتادمین کشور فاسد جهان به صدمین کشور فاسد تبدیل شد. این کشور در حال حاضر از نظر فساد رتبه‌اش با الجزایر و سورینام یکی است. در مقابل فسادش نسبت به کشورهای چون میانمار، ویتنام، قرقیزستان، تاجیکستان، افغانستان، پاکستان و نپال کم‌تر است اما بازهم در مقابل

کشورهایی چون هند، بوتان، ماکائو، هنگ کنگ و مغولستان فاسدتر به حساب می‌آید.

باین حال نتایج این کمپین ناظران سیاسی چین را نیز متعجب کرده است. نیمه اول سال ۲۰۱۵ نشان داده که فعالیت‌های این کمپین با همان سرعت قبل ادامه دارد و معلوم نیست پایان آن دقیقاً چه زمانی باشد. کمیسیون مرکزی انضباطی حزب حاکم چین در تازه‌ترین بیانیه‌اش اعلام کرد که شمار مقام‌های دستگیرشده به دلیل فساد مالی از سال ۲۰۱۳ میلادی تاکنون به بیش از ۱۲۰ هزار نفر رسیده است. تنها در سال ۲۰۱۴ میلادی نزدیک به ۷۰ هزار مقام چینی مفسد دستگیر و زندانی شدند.

تازه‌ترین درگیری این کمپین با آن دسته از مقاماتی است که همسر و فرزندان‌شان در خارج از کشور هستند و در چین به عنوان مقاماتی شناخته می‌شوند که می‌توانند به راحتی پول را از کشور خارج کنند. در حال حاضر، اغلب آن‌ها که تنزل درجه گرفته یا از حزب اخراج شده‌اند باید از شنیدن نام «شکار روباه» بترسند. شکار روباه نام عملیاتی است که نیروهای امنیتی چین در آن افرادی که در خارج از چین تحت تعقیب هستند را به خاک این کشور برمی‌گرداند. چین به واسطه این عملیات در سال ۲۰۱۴ توانست ۹۳۰ نفر از این افراد را به خاک چین بازگرداند.

«نیویورک تایمز» به نقل از لی گونگ جینگ، یکی از مقام‌های اداره مبارزه با فساد مالی و بزهکاری‌های اقتصادی در وزارت امنیت عمومی چین نوشت: «یک فراری مانند بادیادی در پرواز است. اگر او در خارج کشور هم زندگی کند، یک سرنخ به او وصل است و این سرنخ در چین قرار دارد و همواره می‌توان او را از طریق خانواده‌اش پیدا کرد.»

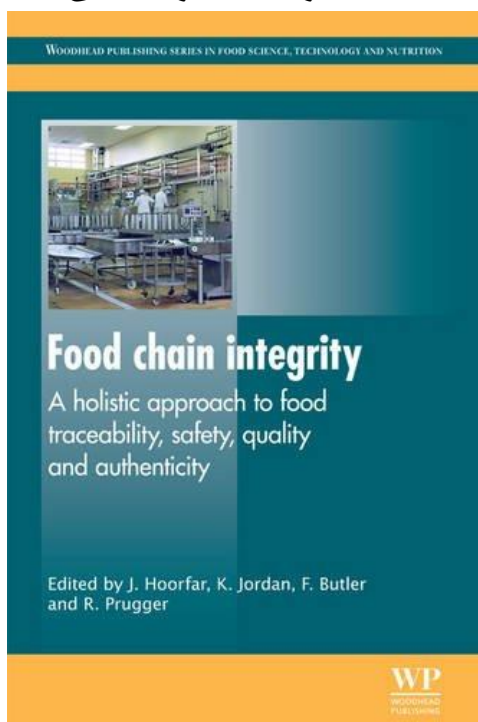
شدت این عملیات در خاک آمریکا به حدی است که صدای مقامات ایالات متحده را نیز درآورده است. آمریکا معترض است که چین با انجام چنین عملیاتی امنیت کشور را برهم زده و قوانین بین‌المللی را زیر پا می‌گذارد. اما چین در توجیه کارش عنوان می‌کند که در اجرای این

عملیات از نحوه‌ی عملکرد آمریکا در خاورمیانه پس از ۱۱ سپتامبر الگو گرفته و حرف بیش‌تری درباره زیر پا گذاشتن قوانین بین‌المللی نمی‌زند.

در حال حاضر تنها یک اجماع کلی در مورد این مبارزه وجود دارد و آن این‌که عملکرد خوب این کمپین ممکن است به خاطر فقدان وجود یک سیستم قضایی کارآمد و مستقل کاملاً نقش بر آب شود. ادعای این افراد این است که مبارزه با فساد به این شیوه ممکن است که به‌صورت درمانی موقت برای اقتصاد چین باشد اما تا زمانی که سیستم نظارتی درست و کاملی برای درمان عمیق مشکلات نباشد کاری از پیش نمی‌رود. حرف اصلی این افراد این است که تا زمانی که فرهنگ هدیه دادن، تأمین امنیت پیشرفت‌های یک‌شبه مشاغل، میهمانی دادن در رستوران‌های گران‌قیمت برای جوش دادن معاملات جزئی، جبران خدمات و زحمات از طریق پول نقد و استفاده از شبکه‌های نفوذ محلی در فرهنگ چین وجود دارد فساد اقتصادی هم زنده است و کاری نمی‌توان کرد.

ازسوی دیگر رخنه این فعالیت‌ها به فرهنگ چینی آن‌قدر عمیق است که بسیاری از افراد به این فعالیت‌ها به دیده کار غیرقانونی نگاه نمی‌کنند. چراکه چینی‌ها معتقدند «اگر کس دیگری غیر از من این کار انجام می‌دهد پس حتماً کار درستی است» و «من هرگز گرفتار پیچ‌وخم‌های قانون نخواهم شد».

معرفی کتاب
سلامت زنجیره غذایی
یک رهیافت جامع برای قابلیت ردیابی، امنیت،
کیفیت و اصالت مواد غذایی



مؤلفان^۱: جی. هوفار، کی. جوردن، اف. باتلر
انتشارات : وودهد^۲

۱. J. Hoorfar, K. Jordan, F. Butler

۲. Woodhead

چرا ما بر روی سلامت زنجیره غذایی تمرکز کرده ایم؟ مصرف کنندگان در سراسر جهان خواهان مواد غذایی سالم هستند که موجب پدید آمدن موضوعات مختلف در زمینه ایمنی مواد غذایی شده که برخی از آن ها ابعاد بین المللی پیدا کرده است که می توان در این زمینه شیوع لیستریوز در اتریش، آلمان، جمهوری چک در سال ۲۰۱۰ و شیوع سالمونلا در ایرلند، انگلستان و دانمارک در سال ۲۰۰۹ را مثال زد. دامنه زنجیره های غذایی به طور فزاینده ای در حال جهانی شدن هستند که نه تنها ایمنی مواد غذایی بلکه مسائلی چون تقلب در اصالت کالا و کیفیت را نیز شامل می شود و در مرکز توجه صنعت مواد غذایی و دستگاه های نظارتی قرار گرفته است.

در اواخر دهه ۹۰ اتحادیه اروپا تحت فشار قرار گرفت تا در زمینه انجام تحقیقاتی برای ایجاد یک سیستم ردیابی کامل مواد غذایی باهدف افزایش اعتماد مصرف کنندگان سرمایه گذاری کند. به وجود آوردن راه هایی که محصولات را بتوان با اطمینان از مبدأ تا فروش محصول به مصرف کننده، از تولید تا اصلاح ژنتیکی، تأثیر مواد آلاینده و تحولات بیوتکنولوژی بر روی محصولات نظارت و ردیابی کرد. در نتیجه اتحادیه اروپا تحقیقات زیادی را در زمینه سلامت زنجیره غذایی و قابلیت ردیابی محصولات آغاز کرد.

قابلیت ردیابی یکی از هشت حوزه متمایز اولویت های این برنامه بوده است و در نتیجه بیش از ۱۴ پروژه تحقیقاتی مختلف و بودجه ای معادل ۱۴۰ میلیون دلار برای آن اختصاص یافت. این پروژه ۴۰۰ موسسه مختلف از ۳۰ کشور جهان شامل جنوب آمریکا، استرالیا، نیوزیلند، شرق دور، روسیه و آفریقای جنوبی را درگیر کرد.

این کتاب حاصل تلاش مشترک هماهنگ کنندگان این پروژه های تحقیقاتی در زمینه زنجیره مواد غذایی است و در ارتباط با اجلاسی که در همین زمینه برگزار شده، منتشر شده است و سعی کرده تا جنبه های مختلف فنی سلامت زنجیره غذایی را مورد بحث قرار دهد. هدف کلی این پژوهش افزایش اعتماد مصرف کنندگان در زنجیره مواد غذایی به وسیله تقویت فناوری مورد نیاز برای اطمینان از قابلیت ردیابی کامل، شفافیت و امنیت در

کل مجموعه زنجیره غذایی است. فناوری‌های موردبحث پیوند محصولات به منابع خود یا مبدأ اعلام شده را بررسی می‌کنند و تشخیص آلودگی به باکتری‌ها، سموم و یا دستکاری ژنتیک را تسهیل می‌کند. بخش‌های مختلف صنایع غذایی چون گوشت گاو، ماهی، آب، روغن زیتون به شکل‌های مختلف تازه، منجمد و یا زنده تحت پوشش قرار گرفته‌اند.

بر این اساس طیف گسترده‌ای از فناوری‌ها شامل حس‌گرهای الکترونیکی پیچیده، دستگاه‌های ناوبری و مجموعه‌ای از نرم‌افزارها و طیف گسترده‌ای از تشخیص مولکولی ژنومی و مدل‌های پیچیده ریاضی بکار گرفته شده است. محصولات جدید مانند ابزار پشتیبانی مدیریتی، سنجش زمان، درجه حرارت، دستگاه‌های ردیابی، روش‌های تشخیص پاتوژن و غیره موردبررسی قرار گرفته‌اند. این فناوری‌ها در حال حاضر در مراحل مختلف به کارگیری در شرکت‌های کوچک و متوسط هستند. مقیاس تولید عامل مهمی در سلامت زنجیره غذایی است. در بسیاری از موارد راه حل‌های فناورانه برای فرآیندهایی با مقیاس بزرگ ممکن است قابل انتقال به واحدهای تولیدی کوچک یا متوسط نباشد.

فصل اول با عنوان نقش جهت‌گیری خدمات در دستگاه‌های ردیابی مواد غذایی مبتنی بر وب به بحث درمورد تأثیر موج بعدی اینترنت و جهت‌گیری خدمات در توسعه دستگاه‌های ردیابی مواد غذایی پرداخته است. در این فصل استدلال شده است که دستگاه‌های ردیابی مواد غذایی در آینده باید بر روی وب با ادغام هر دو خدمات موجود و جدید به کار گرفته شود. دستگاه‌های ادغام و تطبیق که برای شناسایی و تجزیه و تحلیل مواد غذایی باید به کار گرفته شوند نیز موردبحث قرار گرفته‌اند و درنهایت دو نمونه اجرای موفقیت‌آمیز این رویکرد در این فصل ارائه شده است.



از مزرعه تا چنگال

قابلیت ردیابی، یک مفهوم مشترک در زنجیره مواد غذایی امروز است. این مفهوم به ردیابی منبع غذایی از میز شام تا مزرعه اشاره دارد. مفهوم ردیابی زیستی به ردیابی باکتری (و سموم آنها) در طول زنجیره غذایی اشاره دارد. ردیابی باکتری یک مفهوم جدید و مکمل ارزیابی کمی ریسک میکروبی (QMRA) و تجزیه و تحلیل خطر و کنترل نقاط بحرانی (HACCP) است. دو روشی که در حال حاضر به طور گسترده ای استفاده می شود. ردیابی زیستی تلاش برای شناسایی منبع آلودگی با یکپارچه سازی میکروب شناسی مواد غذایی، اطلاعات زنجیره غذایی و مدل سازی ریاضی است که در فصل دوم با عنوان ردیابی زیستی *Biotracing*: یک مفهوم جدید در سلامت مواد غذایی معرفی شده و به برخی از سوالات مهم در این زمینه پاسخ داده شده است.

هدف فصل سوم با عنوان *استفاده از شبیه سازی تصادفی برای ارزیابی مقرون به صرفه بودن دستگاه های ردیابی*، بر آورد هزینه ها و مزایای ارتقای دستگاه های ردیابی موجود با استفاده از شبیه سازی تصادفی است. تغییرات پیشنهادی نشان دهنده بهبود بالقوه وضع موجود از طریق استفاده از دستگاه های تشخیصی پیشرفته باهدف تخمین تأثیر هریک از راهکارهای ردیابی بر سودآوری شرکت است. برای این منظور از شبیه سازی تصادفی (Monte Carlo) درمورد یک شرکت توزیع کننده محصولات تازه در اسپانیا استفاده شده است.

فصل چهارم درمورد جلوگیری و کاهش بیوتروریسم مواد غذایی به بحث پرداخته است. حفظ سلامت غذایی در مواجهه با تهدیدهای عمدی و تصادفی یک موضوع مهم در جامعه مدرن و از جنبه های ضروری تجارت بین المللی است. زنجیره تولید مواد غذایی نسبت به اقدامات عمدی به هدف تضعیف اعتماد مصرف کننده آسیب پذیر است. تروریست ها ممکن است باهدف ایجاد بیماری گیاهان، حیوانات و انسان در زنجیره تولید و توزیع مواد غذایی دخالت کنند. ردیابی همراه با تشخیص تحلیلی و انگشتنگاری از اجزای مواد غذایی می تواند برای جلوگیری و کاهش اثرات این تهدیدات مؤثر باشد. تحقیقات نوآورانه در زمینه دستگاه ها برای تجزیه و تحلیل زنجیره غذایی امید تازه ای را برای مؤثرتر شدن این پدیده به وجود آورده است.

درک و نظارت بر رفتار پاتوژن در زنجیره مواد غذایی موضوع فصل پنجم این کتاب است. درک و نظارت بر رفتار میکروبی عوامل پاتوژن در کل زنجیره غذایی به عنوان یکی از مهم ترین پیش نیازهای سلامت مواد غذایی است. برای این منظور، روش های جدیدی توسعه یافته اند که به تجزیه و تحلیلی فعل و انفعالات پاتوژن ها و مواد غذایی در سطح سلولی و مولکولی و همچنین سطوح تماس با زنجیره مواد غذایی از جمله دستگاه گوارش حیوانات مزرعه می پردازد.

ویروس ها به طور فزاینده ای به عنوان عوامل بیماری زا در پاتوژن های ناشی از مواد غذایی شناخته شده اند. فصل ششم به راه های انتقال عوامل بیماری زا از انسان به مواد غذایی پرداخته است. فصل هفتم نیز به موضوع رتبه بندی خطراتی که ممکن است در زنجیره غذایی رخ دهد، می پردازد. رتبه بندی خطرات یک گام مهم در مدیریت ریسک و اولویت بندی منابع برای کنترل مهم ترین خطر است. یک خطر می تواند بیولوژیکی، شیمیایی و یا فیزیکی باشد. نقشه برداری های زنجیره ای و شناسایی خطر پیش نیاز ضروری قبل از رتبه بندی ریسک است.

فصل هشتم نیاز به کنترل دائمی درجه حرارت در طول زنجیره تأمین مواد غذایی، برای اطمینان از کیفیت و ایمنی مواد غذایی را مورد بررسی

قرار می‌دهد. در بخش اول نیازها و انتظارات و همچنین موانع پیش‌روی بازیگران زنجیره مواد غذایی در زمینه فناوری‌های جدید موردبحث قرار گرفته است. در بخش دوم این فصل، فن‌آوری‌های جدید برای کنترل مستمر شرایط دما در زنجیره مواد غذایی سرد ارائه شده است.

افزایش واردات علوفه خام کم‌هزینه از کشورهای خارج از اتحادیه اروپا، استفاده مجدد از مواد زائد صنایع سوخت‌های زیستی و تولید مواد غذایی (به عنوان مثال منابع خوراک جایگزین) و همچنین تولید مواد غذایی ارگانیک چالش‌های جدیدی را برای ایمنی و کیفیت مواد غذایی به دست آمده از این مواد خوراکی را به وجود آورده است. ازسوی دیگر رقابتی ماندن صنعت خوراک اروپا که باید از منابع محدودش برای کنترل نقاط بحرانی در زنجیره تولید استفاده کند نیز مهم است. این‌ها موضوعاتی هستند که در فصل نهم به آن‌ها پرداخته شده است. موضوع موردبررسی فصل دهم بهبود ایمنی میکروبی در زنجیره تولید گوشت گاو است. در فصل بعدی نیز موضوع رفاه حیوانات به عنوان یک جزء ضروری در ایمنی و کیفیت مواد غذایی است.



تشخیص و قابلیت ردیابی ارگانسم‌های اصلاح شده ژنتیکی در زنجیره تأمین مواد غذایی در فصل دوازدهم موردتوجه قرار گرفته است. قابلیت ردیابی مواد غذایی کشاورزی در تمام ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا الزامی است. مواد تشکیل دهنده جدید و یا مواد غذایی اصلاح شده ژنتیکی تابع مقررات خاصی هستند. در این فصل مقررات مختلف اجتماعی، اقتصادی و به خصوص حقایق فناورانه درمورد قابلیت ردیابی - همان‌طور که در

استانداردهای ISO تعریف شده است - یک مرور کلی شده است. فصل سیزدهم در مورد روش‌های نمونه‌گیری است و در فصل چهاردهم نیز روش‌های جدید برای تشخیص منشأ غذا را مورد بحث قرار داده است. فصل پانزدهم با عنوان *رديايي محصولات دريائي از اقيانوس تا جنگال با استفاده از فن آوري‌هاي پيشرفته مولكولي* به توانایی تعیین سلامت و خاستگاه ماهیان و محصولات دریایی در سراسر زنجیره توزیع آن می‌پردازد.

ارتباط مؤثر و کارآمد برای زنجیره غذایی فعال در بازار جهانی امروز بسیار مهم است. در فصل شانزدهم درباره اهمیت ارتباطات و چالش‌های مربوط براساس داده‌های مصرف‌کنندگان از چندین پروژه تحقیقاتی اتحادیه اروپا بحث شده است. مصرف‌کنندگان از کسب اطمینان‌های بیشتر در مورد کیفیت مواد غذایی استقبال می‌کنند. این اعتماد را می‌توان از طریق برچسب‌هایی که نشان‌دهنده حمایت و تضمین محصول توسط دستگاه‌های ردیابی معتبر است به دست آورد.

فصل هفدهم نیز به ارائه یک نمای کلی از ادبیات اخیر در مورد منافع مصرف‌کننده‌ها در برچسب‌های غذایی و نقش اطلاعات قابل ردیابی در بازگرداندن اعتماد مصرف‌کننده در زنجیره مواد غذایی می‌پردازد و فصل پایانی کتاب نیز روندهای آینده سلامت زنجیره مواد غذایی را مورد بحث و بررسی قرار داده است.